پاسخ تست۱۴۱:

گزینه ۲) تصور کلی صحیح است.

لطفا به کلمه نمی‌باشد در صورت سوال توجه فرمایید.

از دیدگاه علامه حلّی مقدمات فعل انسانی که به اختیار از انسان صادر می‌شود عبارتند از:

۱. تصور جزئی (نه تصور کلی؛ چون تصور کلی انسان را به عمل وانمی‌دارد.)
۲. شوق (گاهی تصور جزئی حاصل می‌شود اما چون شوقی بدان نیست، فعل صورت نمی‌گیرد.)
۳. وجود نیروی عضلانی

نکته ۱: خواجه نصیرالدین طوسی افعال انسان را به دو دسته تقسیم می‌کند. دسته‌ای که تابع قدرت و اراده اوست و دسته‌ای که از قدرت و اراده او خارج است. درست است که افعال را در هستی به اسباب و مسببات طبیعی نسبت می‌دهیم، اما در سطحی بسیار بالاتر به خدا نسبت دارند. در دیدگاه قرآن انسان به عنوان موجودی در نظر گرفته شده که خود منشأ عمل خویش است. همین سعی و عمل آدمی است که هویت وی را ترسیم می‌کند: «وَ أَن لَیسَ لِلإِنسانِ إِلاَّ ما سَعی * وَ أَنَّ سَعیَهُ سَوفَ یُری» ؛ «و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست. و (نتیجه) کوشش او به زودی دیده خواهد شد» ؛ (سوره نجم آیات ۳۹ و ۴۰)

نکته ۲: در دیدگاه اسلامی می‌توان گفت که عمل به هر رفتار یا جلوه انسانی اطلاق می‌شود که مبتنی بر سه مبنای اساسی ذیل باشد:

- **معرفت (مبنای شناختی)**
- **میل (مبنای گرایشی)**
- **اراده (مبنای ارادی - اختیاری)**

در این باب دو نکته قابل تامل است: اول اینکه عمل لزوما با رفتار مشهود یکی نیست، بلکه عمل هنگامی به یک رفتار مشهود اطلاق می‌شود که بر مبانی مذکور مبتنی باشد. دوم اینکه عمل تنها شامل اعمال مشهود نیست بلکه اگر جلوه‌های درونی آدمی نیز به نحوی باشد که مبتنی بر مبانی مذکور باشد، آن را نیز باید عمل محسوب کرد. مثلا ایمان و کفر از آن جهت که مبتنی بر مبادی معرفتی، میلی و ارادی هستند، عمل محسوب می‌شوند با اینکه ممکن است در رفتارهای بیرونی آشکار نگردد. برای آنکه کسی به خدا ایمان بیاورد، ابتدا باید تصوری از او داشته باشد (معرفت)، به او تمایل داشته باشد (میل) و او را به عنوان خدای خویش انتخاب کند (اراده).

گاه در متون اسلامی عمل را به دو نوع «اعمال جوارحی (مشهود)» و «اعمال جوانحی (درونی و نامشهود)» تقسیم‌بندی می‌کند.

در اسلام ملاک ارزش‌گذاری عمل، نیت درونی عامل است و نه برداشت ناظران کنش؛ و تنها کسی که به حقیقت عمل و درون کنش‌گر راه دارد، خداوند متعال است. بنابراین اسلام برای حل مشکل برداشت‌های متفاوت از یک عمل و جلوگیری از سرگردانی مخاطب در واکنش، به حمل بر صحت دستور داده است. نقش اساسی را در جهت دادن رفتارها نیت ایفا می‌کند و کمال نهایی «قرب به خدا» نامیده می‌شود. اگر در عملی نیت نباشد یا نیت صحیحی نباشد، آن عمل سبب کمال نفس نخواهد بود؛ لذا اساسی‌ترین منشأ ارزش کار «نیت» است.

WWW.DLMGROUP.IR

پاسخ تست۱۴۲:

گزینه ۳) دین صحیح است.

از نظر ابوریحان بیرونی سیرت فاضل همان است که دین آن را بایسته گرداند؛ یعنی در زندگی اجتماعی تنها باید و نبایدهای دین است که می‌تواند معیار درستی یا نادرستی شناخت و کنش انسانی باشد. بیرونی انسان را در حصار سه رکن و عنصر مهم و رفتار وی را متاثر از آنها می‌داند:

- **دین** که عالی‌ترین و مطمئن‌ترین معارف عناصر سه‌گانه می‌باشد و به واسطه ماهیت الهی بودنش دارای ثبات و بقا است.
- **عقل** که واسطه بین عالم معقول و محسوس است و مهم‌ترین ممیّز انسان و حیوان می‌باشد که مختار بودن انسان، تکالیف دینی و مقام خلیفه اللهی به واسطه آن است.
- **نادانی و قوای نفسانی** (به‌خصوص شهوت و غضب) که سرچشمه سستی، تباهی و انحطاط بشر است.

بدین ترتیب کنش فردی و اجتماعی انسان به واسطه اینکه مبتنی بر کدامیک از عناصر فوق باشد (یا ترکیبی از آنها) متفاوت است.

از دیدگاه محقق نراقی رفتار انسان تحت تاثیر چهار نیروی عمده قرار دارد که عبارتند از: عقل، شهوت، خشم و وهم؛ اگر فرد بتواند در قلمرو زندگی خصوصی و باطنی خویش، نیروی خرد را بر سه نیروی دیگر مسلط سازد، سعادت در زندگی او تحقق می‌یابد و چنانچه به حکومت دست یابد، حکومت عادلانه در جامعه به وجود می‌آید.

نکته: خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب اخلاق ناصری می‌گوید: طبیعت و سرشت افراد به پنج دسته تقسیم می‌شود که برای هر دسته باید اقدامات متناسب صورت گیرد:

- گروهی طبع خیر دارند و خیرشان نصیب جامعه هم می‌شود؛
- گروهی طبع خیر دارند ولی خیرشان به افراد دیگر نمی‌رسد؛
- گروهی دارای طبعی میان خیر و شر هستند؛ این گروه را باید محافظت کرد تا به فساد روی نیاورند بلکه از استعداد خیر شدن استفاده نموده و به کمالاتی دست یابند.
- گروهی طبع شر دارند؛ این گروه را باید با موعظه از کارهای ناپسند، بازداشت و هم باید تحقیر نمود.
- گروهی طبع شر دارند و شرشان به دیگران نیز سرایت می‌کند؛ برای مدیریت این دسته از افراد ابتدا باید به وسیله تأدیب سعی در اصلاح آنها نمود و اگر امیدی به اصلاح نبود در صورتی که تسری شرشان گسترده و عمومی نباشد با ایشان مدارا کرد؛ ولی اگر شرشان عمومی باشد باید جلوی شر آنها را با قید (از مناصب اجتماعی باز داشته شوند) و نفی (از جامعه دور شوند و در جای خاصی نگه‌داری شوند) گرفت و در آخر اگر با هیچ‌یک از راه‌های فوق، دفع شر میسر نشد، عضوی که شر به وسیله آن صورت گرفته قطع شود یا حسی از حواس پنج‌گانه وی را ابطال کرد.

برای روئیدن و پرورش رفتارهای مناسب نیاز به مراقبت‌هایی است که ما از آن به عنوان «مدیریت رفتار سازمانی» یاد می‌کنیم.

WWW.DLMGROUP.IR

امام علی (ع) می‌فرمایند: «آگاه باش! هر عملی رویشی دارد، و هر رویندهای از آب بی‌نیاز نیست، و آبها نیز گوناگون می‌باشند، پس هر درختی که آبیاری‌اش به اندازه و نیکو باشد، شاخ و برگش نیکو و میوه‌اش شیرین است و آنچه آبیاری‌اش پاکیزه نباشد، درختش عیب دار و میوه‌اش تلخ است.»

ویژگی‌های رفتار سازمانی در سازمان آخرت‌گرا را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

- ضرورت شناخت طبیعت و سرشت افراد برای مدیریت آنها
- توجه به کلیه عناصر تاثیرگذار بر رفتار (دین، عقل، نفس و ...)
- اهمیت ابعاد درونی و شخصیتی کارکنان در مدیریت رفتار سازمانی
- رفتار سازمانی مبتنی بر ادراکات انسانی و معرفت (مبنای شناختی)، انگیزه و میل (مبنای گرایشی) و اراده (مبنای ارادی - اختیاری) است.
- نیت درونی به عنوان ملاک ارزش‌گذاری در رفتار سازمانی
- حاکمیت اصل صحت در مدیریت رفتار سازمانی

پاسخ تست۱۴۳:

گزینه ۴) تقوا صحیح است.

تقوا، عمده‌ترین شرط معرفت حقایق در قرآن شمرده شده است (آیه ۲۹ سوره انفال).

اگر راه کسب معرفت را به حواس ظاهری و تجربه حسی منحصر بدانیم، در این صورت راهی برای شناختن روح آدمی وجود نخواهد داشت. بنابراین ادراک منحصر به ادراک حسی و تجربه حسی نیست، بلکه عقل هم ادراکاتی دارد که ورای حس و تجربه است. علاوه بر عقل، معرفت حضوری و شهود باطنی نیز به عنوان ابزارهای شناخت محسوب می‌شوند. علم حضوری یا شهودی را می‌توان نوعی تجربه درونی نامید. اگر بخواهیم درباره «روح انسان» بحث کنیم فقط باید از دو راه تجربه درونی یا حس باطنی و معرفت عقلی استفاده نماییم نه ادراک و تجربه حسی. تقوا هم در فهم عقل و هم در شهود قلب موثر است به طوری که ادراک صحیح مفاهیم ذهنی و دیدن حقایق عینی در پرتو تقوا تامین می‌گردد. همان‌گونه که تقوای الهی عمده‌ترین شرط معرفت محسوب می‌شود، محبت دنیا نیز سخت‌ترین مانع معرفت می‌باشد.

از نظر قطب‌الدین رازی نفس انسانی دو کار اساسی انجام می‌دهد: یکی ادراک اشیاء و دیگری تصرف در بدن؛ نفس به اعتبار این دو کار، دارنده دو قوه عقل نظری و عملی می‌باشد که اولی مبدأ ادراکات واقع می‌شود و دومی مبدأ فعل در امور عینی و جزئی، و در بدن انسان مبدأ تهذیب نفس و کمالات نفسانی (با جهتی که عقل نظری با ادراکات خود از معارف تعیین می‌کند) می‌گردد. ارزش انسان به خردورزی اوست و اگر تعقل نکند و به قول آیه ۲۲ سوره انفال در شنیدن و گفتن حق، همچون کران و گنگان باشد، از بدترین موجودات می‌شود. لذا قرآن به ما می‌آموزد که متفکر، شنونده و گوینده باشیم. در بین موجودات عالم فقط انسان است که از قدرت ادراک آگاهانه برخوردار است و نه تنها می‌داند، بلکه می‌داند که می‌داند. رابطه مستقیم آگاهی و تعقل با سعادت و کمال، از آن روست که کمال انسان در سایه عمل او محقق می‌گردد. از طرفی اراده و عمل خود محصول آگاهی و میل است. آگاهی و معرفت نسبت به حقیقت پشتوانه حرکت ارادی و سلوک به سمت حیات طیبه و کمال انسانی است. تا آگاهی و معرفت نسبت به حقیقتی به وجود نیاید، کششی به سمت آن حاصل نمی‌شود که منجر به عمل و اقدام گردد.

آیات قرآنی که دلالت بر تحقق علم و شناخت انسانی دارد براساس نحوه دلالت به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱. تشویق به فراگیری
۲. توبیخ کاهلان
۳. تعظیم عالمان
۴. مذمت تقلید (حیات فردی و اجتماعی انسان مبتنی بر شناخت و آگاهی قرار دارد. پذیرش اصول دین به هیچ عنوان نمی‌تواند تقلیدی باشد بلکه باید از دایره شناخت، تعقل، اختیار و انتخاب برآمده باشد. تقلید نیز جز در برخی فروعات که متکی بر تحقیق و شناخت است، نفی شده است و شخص غیره مجتهد حتی در بخش تقلید، موظف به تحقیق است.)

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» ؛ «و از پی آنچه بدان دانش نداری مرو، که گوش و چشم و دل، از همه اینها بازخواست خواهد شد.» ؛ (آیه ۳۶ سوره اسراء)

WWW.DLMGROUP.IR

اگر به مضمون این آیه عمل شود، بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی برطرف و از شایعه‌سازی، جوسازی، قضاوت‌های عجولانه و پایمال شدن حقوق و آبروی افراد جلوگیری خواهد شد.

در قرآن کریم، عقل به منزله چشم دیگری است که مایه بصیرت نفس نسبت به حقایق برتر است. آنچه زمینه تزویر و سوءاستفاده سامری را در غیبت حضرت موسی (ع) (ماجرای رفتن به کوه طور و پرستش جسد گوساله در میان قوم بنی‌اسرائیل) ممکن ساخت، حس‌گرایی بنی اسرائیل بود. زیرا آنکس که صرفا براساس شناخت حسی جهان را ادراک می‌کند، اگر ابزار شناخت و حس او عوض شود، دست از ایمان خود برمی‌دارد. فرعون نیز برای فریب دادن بنی اسرائیل رصدخانه‌ای ساخت تا بگوید ما در آسمان‌ها رصد نجومی کردیم ولی خدایی را که موسی ادعا می‌کند مشاهده ننمودیم. فرعون که می‌دید بنی‌اسرائیل گرفتار اندیشه و شناخت حسی هستند، جهت تحویه (مغالطه‌ای که برای غیر استفاده می‌شود) چنین اقدامی را انجام داد. در غرب نیز از زمان دکارت، بسیاری از دانشمندان معرفت خود را بر پایه تجربیات شخصی گذاشته‌اند. مادیون چون معتقدند جز از طریق حس راهی برای علم نیست نتیجه می‌گیرند آنچه غیرمحسوس است در ظرف ادراک آدمی نمی‌گنجد پس انسان نمی‌تواند به اثبات یا نفی آن بپردازد. قرآن کریم نه تنها ادعای حس‌گرایان منکر مبدأ و معاد را متکی بر گمان و ظن می‌خواند، بلکه شناخت حسی را حتی برای معرفت امور محسوس فاقد صلاحیت می‌داند (جوادی آملی، صص ۵-۲۵۴). در فلسفه یونان باستان نیز، افلاطون همه چیز را پرتوی از عالم مُثُل می‌دانست و معتقد بود که ما در این عالم، فقط سایه‌ها را می‌شناسیم. در مقابل ارسطو معتقد بود که آنچه هست به کمک فاعل شناسا، شناخته می‌شود و در واقع، اوست که محور همه چیز به حساب می‌آید. ابوریحان بیرونی شناخت را ادراک حقایق اشیا تلقی می‌کند که مُدرِک آن نفس انسانی است که دیگر موجودات جهان چنین استعداد و قوه‌ای را ندارند. به نظر ابوریحان بیرونی، خرد، مشاهده، تجربیات و حتی علم حضوری نمی‌تواند به تنهایی ابزار شناخت حقیقت باشد، بلکه برخی از معارف را باید با روش اشراقی و قلبی ادارک نمود و نیز آموزه‌های وحیانی که خداوند متعال توسط پیامبرانش بر بشر فرو فرستاده است. آموزه‌های وحیانی مهم‌ترین و مطمئن‌ترین معیار و روش شناخت می‌باشند. و حقیقت مبرای از خطا فقط عرش خداست. به اعتقاد وی، این خداخواهی است که سبب خیرخواهی برای مردمان می‌شود و ارزش و اهمیت علم به خاطر علم نیست، بلکه برای سعادت انسان است. هدف خلق انسان، سعادت یا قرب الهی است و برای رسیدن به این هدف، عقل، قلب، فطرت و حواس پنج‌گانه لازم است ولی کافی نیست و باید همه آنها در سایه وحی حقیقت را ادراک کنند.

پاسخ تست ۱۴۴:

گزینه ۱) حواس پنج‌گانه صحیح است.

لطفا به به حساب نمی‌آید در صورت سوال توجه فرمایید.

قوای ادراکی انسانی را می‌توان به قوای ادراک حسی و باطنی تقسیم‌بندی کرد. همه واقعیت‌ها و حقایق با حواس ظاهری قابل درک نیست و ابزارهای شناخت منحصر به اندام‌های حسی نمی‌باشد. قوا و ادراکات باطنی انسان نیز در آگاهی و شناخت نقش ایفا می‌کنند که عبارتند از: **قوه خیال، قوه عقل، قوه شهود.**

هریک از اندام‌های حسی، آثاری از نور، صوت، حرارت، بو و مزه اشیا را به مغز منتقل می‌کنند و بدین وسیله تا حدی دسترسی به شناخت و آگاهی انسان از محیط پیرامونش را میسر میسازند. قرآن کریم پس از دعوت به شناخت جهان و دعوت به نظر در کل نظام، آن را به نظام درونی و بیرونی تقسیم کرده؛ آنگاه طبیعت را که همان نظام بیرونی آفرینش است، مبدأ اندیشه درباره سنن و قواعد ثابت و تغییرناپذیر آن معرفی می‌کند و در موارد بسیاری با آیت و نشانه خواندن طبیعت، به کاوش در آن فرمان می‌دهد.

بدیهی است ادراک حسی علی‌رغم اهمیتی که دارد، از جهاتی نارساست و نمی‌تواند یگانه راه شناخت و آگاهی باشد. «خطاهای ادراکی» که در مدیریت مورد مطالعه قرار می‌گیرد، ناشی از تفاوت بین شناخت و واقعیت‌ها می‌باشد.

پاسخ تست۱۴۵:

گزینه ۴) معرفت اشراقی صحیح است.

*گفتیم نازلترین و فرعی‌ترین قوه بینشی انسان، همان **قوه حس** است که مستقیما در ارتباط با ماده و مادیات قرار دارد. قوه حس هرگز حکم نمی‌کند و فرضیه نمی‌دهد و قضیه درست نمی‌کند و جز دریافت و ادراک محسوسات، نقشی ندارد. ابزار شناخت و روش ادراکات حسی، قوای پنج‌گانه و استقراء و تمثیل می‌باشد. اگر شیء مورد ادراک، جزئی و مادی محسوسی باشد که ادراک آن متوقف بر حضور عینی آن شیء باشد، به چنین ادراکی «احساس» می‌گویند و به نوع معرفت حاصل از آن «معرفت حسی» اطلاق می‌شود. و معرفت‌های لازم در زندگی مادی و حیوانی که با ملاک‌های مادی ارزش‌گذاری می‌شوند، از چنین نوعی هستند.

*بالاتر از قوه حس **قوه خیال** است که خزانه‌ای برای گردآوری مدرَکات قوه حس به حساب می‌آید. به تعبیر دیگر، قوه خیال، رابط بین محسوسات و معقولات است. یعنی قوه خیال آنچه را حس می‌شود و در مخزن خیال گرد می‌آید، تجزیه و ترکیب می‌کند و همانند خیاطی می‌برد و می‌دوزد. بدون قوه خیال، هیچ محسوسی، معقول و هیچ معقولی، محسوس نمی‌شود و پیوند بین محسوسات و معقولات قطع می‌گردد. در واقع، قوه خیال است که پس از قطع ارتباط ما با اشیا، تصویر شیء مشاهده شده را در خود حفظ می‌کند و در موقع لزوم در صفحه ذهن منعکس می‌نماید. قوه خیال، وظیفه ذخیره‌سازی اطلاعات را در قالب رمزهای دیداری و شنیداری به عهده دارد. اگر شیء مورد ادراک جزئی و مادی محسوسی باشد که ادراک آن متوقف بر حضور عینی آن شیء نباشد، به چنین ادراکی «تخیل» می‌گویند و معرفت حاصل از آن را «معرفت تخیلی» می‌نامند.

***قوه عقل** در مرتبه بالاتر از قوه خیال وجود دارد و رهبری قوای ادراکی انسان در جهتی هماهنگ و هم‌سو با علوم فطری و حضوری با اوست. معرفت عقلی از ادراک کلیات حاصل می‌شود و از مجموع اطلاعات و ادراکات جزئی که از طریق حواس ظاهری و قوه خیال بدست می‌آید، مفاهیم کلی را درک می‌کند و «نفس ناطقه» استعداد آن را دارد. وجود چنین معرفتی است که حکیم را قادر می‌سازد به قوانین حاکم بر عالم هستی و روابط بین پدیده‌ها و قانون‌مندی‌ها و اصول حاکم بر آنها پی ببرد و بتواند درباره حیات سیاسی افراد جامعه در راستای مصالح جمعی به قانون‌مندی کلی بپردازد و جامعه را به رشد و تعالی رهنمون سازد. معرفت عقلی علاوه بر این، به شناخت فضایل و رذایل و هم به استخراج امور و صناعاتی که مطابق با مصالح نوع افراد جامعه است می‌پردازد. ابزار معرفت عقلی، قیاس و استدلال است. اگر شیء مورد ادراک غیرمادی اعم از کلی یا جزئی باشد به چنین ادراکی «تعقل» گویند و به معرفت حاصل از آن «معرفت عقلی» اطلاق می‌شود.

*علاوه بر قوه خیال و عقل، قوه سومی وجود دارد که آن را **قوه شهودی** می‌نامیم. به نظر آیت الله جوادی آملی پس از وحی، بالاترین روشی که می‌تواند به تبیین مسائل مربوط به جهان‌بینی بپردازد، روش شهود عارفانه است. ادراک شهودی از آن جهت که فرد واقعیت اشیا را درمی‌یابد بالاترین مرتبه ادراک است و «قلب» یکی از ابزارهای مهم آن شمرده می‌شود که در اثر تزکیه و تطهیر می‌تواند به حقایقی فوق عقل دست‌یابد و مایه الهام و سروش‌های غیبی باشد. قلب در معنای دوم همان چیزی است که حکما آن را «نفس ناطقه» نامیده‌اند. در قرآن کریم «تفقّه» (به معنای فهم دقیق و عمیق) و «تدبّر» به قلب نسبت داده شده است. علاوه بر علم حصولی، شناخت حضوری به خداوند نیز کار قلب است که خطا در آن راه ندارد. وقتی قلب (صدر- فؤاد- بطن) حقایق را بی‌واسطه درک کند،

WWW.DLMGROUP.IR

به آن شهود گویند و علم حاصل از آن را علم حضوری می‌نامند. وحی که بر قلب پیامبر اکرم (ص) نازل شد، شناخت شهودی ایشان است که خطا در آن راه ندارد.

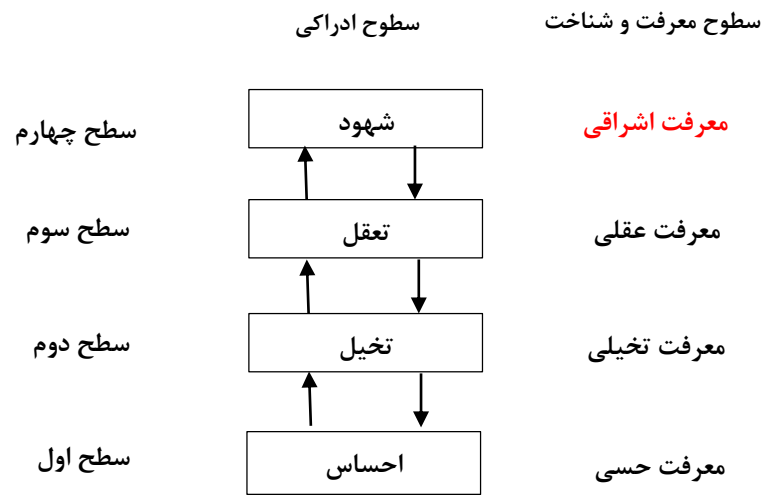

نکته ۱: معرفت اشراقی (شناخت از راه شهود) در مقابل معرفت مشایی (شناخت بر مبنای استدلال و منطق عقلی) بر کشف و شهود و ذوق عرفانی مبتنی است که از طریق تجرید از محسوسات و نقش بستن موضوع در ذهن بدست می‌آید که ممکن است فیضی باشد (یعنی از طریق عقل فعال به قوه متخیّله آدمی افاضه شده باشد) یا نور الهی باشد که خداوند در قلوب اولیای خویش وارد می‌کند. بنابراین، معرفت اشراقی که از طریق فیض الهی است، برای هر انسانی حاصل نمی‌شود. عقل فعال چیزی است مانند نور که بر اشیاء می‌تابد.

نکته ۲: از دیدگاه علامه قطب‌الدین شیرازی منابع معرفتی عبارتند از:

معرفت حسی، معرفت عقلی، معرفت غیبی-روحانی، معرفت نقلی(شرعی).

زمانی که نفس از مشغله‌های حسی و تفکر در آنچه حواس وارد ذهن می‌کنند (دو معرفت اول) فارغ شود و مستعد اتصال به عالم غیب گردد تا پرده از روی درک حقایق کنار رفته و با دریافت درونی، معارف حقیقی را که یافتنی هستند نه آموختنی، درمی‌یابد که به آن معرفت غیبی-روحانی می‌گوییم. قطب‌الدین شیرازی معرفت غیبی-روحانی را «حکمت یافتنی» می‌نامد که منبع اصلی آن، شهود و عرفان است. (ارشد ۹۵)

معرفت نقلی نیز به آنچه از طریق منابع شرعی مانند قرآن و حدیث حاصل می‌شود، اطلاق می‌گردد.

نکته ۳: ابن‌سینا علم مبتنی بر مشاهده را نوعی معرفت می‌داند که قابل تغییر است اما علم حقیقی از نظر او از طریق آگاهی نسبت به علل و اسباب یک شیء از طریق تعقل و تفکر، تحقق می‌پذیرد. نظر ابن‌سینا چنین است که حس انسان برای ادراک امور لازم و سودمند است ولی بدون تفکر و تعقل هرگز نمی‌توان به کشف مجهولات و ارتباط میان امور دست یافت.

نکته ۴: خواجه نصیرالدین طوسی ابزار و طرق خاصی را برای کسب معرفت به تناسب هریک از منابع شناخت معرفی می‌کند که عبارتند از:

۱. استقراء، تجربه و تمثیل: برای معارفی است که از طریق قوای حسی حاصل می‌شود؛
۲. قیاس: برای معارفی که از طریق رجوع به منبع شناخت عقلی به دست می‌آید؛
۳. نقل، استناد و استشهاد: در رجوع به منبع وحی می‌توان از آن استفاده کرده؛
۴. تزکیه نفس: در رجوع به دل به کار می‌آید.

WWW.DLMGROUP.IR

پاسخ تست۱۴۶:

گزینه ۱) تصویر و انعکاس آنچه ادراک کرده‌ایم در ذهن صحیح است.

لطفا به به حساب نمی‌آید در صورت سوال توجه فرمایید.

مراحل ادراک انسان را می‌توان در قالب دو مرحله **هستی‌شناسی** و **شناخت‌شناسی** و براساس گام‌های ذیل خلاصه نمود:

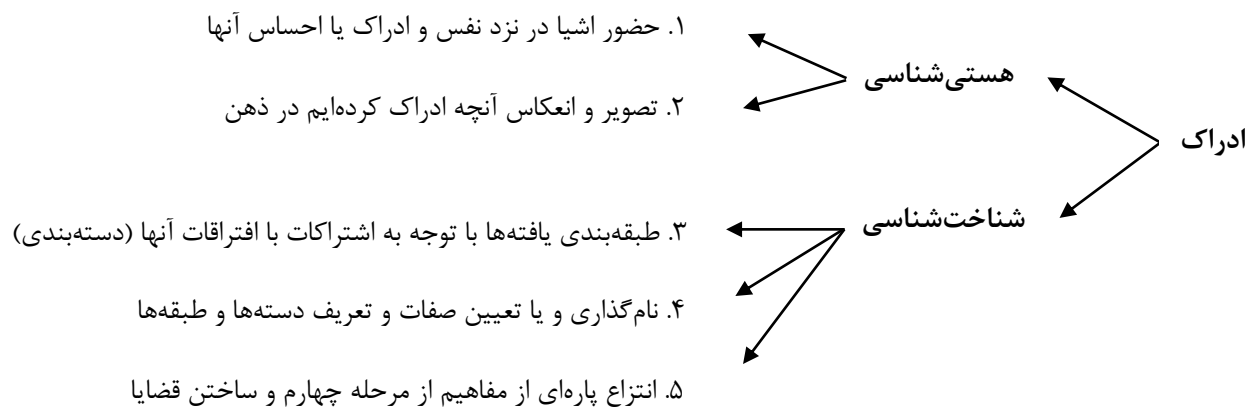

(مراحل ۱ تا ۵ به ترتیب اتفاق می‌افتد.)

واقعیت خارجی بدون اینکه به ما وابسته باشد وجود دارد. بخش هستی‌شناسانه آن است که صرف حضور شیء در نزد نفس، همان علم و ادراک است و حواس ما موید این حضور هستند؛ به این معنا که حواس ما واسطه و دلیل این حضور شمرده می‌شوند و نه علت آن.

پس از این مرحله ما با تصویربرداری از واقعیت خارجی به طبقه‌بندی ادراکات ذهنی خویش می‌پردازیم و آنها را براساس اشتراکات یا افتراقاتشان دسته‌بندی، نامگذاری و تعریف می‌کنیم. این نام‌ها و تعریف‌ها «بازنمون‌های» واقعیت‌هایی هستند که ما در بخش اول آنها را دریافته‌ایم. بر این اساس ما ابتدا با علم حضوری جهان را درک می‌کنیم و سپس به دسته‌بندی تصاویر در ذهن و در ادامه ساخت مفاهیم و طبقه‌بندی آنها می‌پردازیم و بدین‌گونه جهان را باز می‌شناسیم.

WWW.DLMGROUP.IR

پاسخ تست۱۴۷:

گزینه ۱) انگیزه و نیت صحیح است.

در اسلام، بر تاثیر رسیدن به هدف پافشاری نمی‌شود و برعکس، نیت ملاک تعیین کیفیت اعمال است. این چنین است که در نظریات غربی احتمال تکرار کنشی که منتج به هدف نشده است کم ارزیابی می‌شود؛ ولی در اسلام، کنش چه به نتیجه منجر شود چه نشود، متناسب با نیت عامل ارزش‌گذاری می‌گردد. نیت عبارت است از قصد و اراده‌ای که محرک انسان در انجام کاری است و واسطه بین علم و عمل محسوب می‌شود. نیت مومن از عمل وی شایسته‌تر و مهم‌تر به حساب می‌آید. بر همین اساس امام علی (ع) می‌فرمایند: «هرکس از شما ثواب اعمال نیکویی که قصد آن را داشته خواهد برد».پ بسیار مهم است که نیت فقط برای خدا و با اطمینان قلبی کامل باشد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «روز رستاخیز مردم را به کیفیت نیت‌هایشان برانگیزند».

علامه مجلسی نیت هر کس را تابع حالت باطنی وی می‌داند که به تناسب اشخاص و احوال ایشان مختلف است؛ از جمله:

- ✓ نیت کسانی که عبادت خود را برای ترس از عذاب انجام می‌دهند و دنیا در نظرشان کوچک و حقیر است.
- ✓ کسانی که محرک آنها نعمت‌های بهشت و حور و قصور است.
- ✓ کسانی که نعمت‌های خداوند را مشاهده می‌کنند و برای سپاسگزاری او را عبادت می‌کنند؛ چون شکر منعم را واجب می‌دانند.
- ✓ کسانی که خداوند را مطلع بر آشکار و نهان خود می‌دانند و به واسطه حیا و شرمساری او را عبادت می‌کنند.
- ✓ کسانی که خداوند را به قصد تقرب به کمال مطلق عبادت می‌کنند.
- ✓ کسانی که خداوند را شایسته عبادت و بندگی می‌دانند؛ لذا او را عبادت می‌کنند.
- ✓ کسانی که از سر عشق به خداوند او را عبادت می‌کنند که این قسم از بالاترین درجات مقربان است.

پاسخ تست۱۴۸:

گزینه ۳) مرتبه عقلی صحیح است.

قرآن انسان را مرکب از روح و جسم می‌داند و بر این اساس او را دارای سرشتی دوگانه معرفی می‌کند:

- جنبه مادی
- جنبه ملکوتی

جنبه مادی انسان بیانگر غرایز و نیازهای مادی است که ضرورت وجود وی می‌باشد و جنبه ملکوتی که از آن به «روح الهی» و «نفخه ربانی» تعبیر می‌شود بیانگر ناطق بودن، اراده و خلاقیت انسان است.

با عنایت به دو بعد وجودی انسان خواسته‌های او به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. در جهت حفظ بقا و موجودیت
۲. در جهت تحصیل کمالات وجودی

بر پایه قرآن کریم، هویت حقیقی انسان دارای ابعاد چهارگانه‌ای است که عبارتند از:

مادی، مثالی، عقلی و الهی

۱. **وجود مادی انسان:** همان وجودی است که گیاهان هم دارند؛ انسان نیز مانند آنها در این مرتبه از هستی‌اش تغذیه، تنمیه و تولید دارد.
۲. **وجود مثالی انسان:** همان وجودی است که حیوانات هم دارند؛ انسان نیز مانند آنان در این مرتبه از وجود خود گرفتار شهوت و غضب است.
۳. **وجود عقلی انسان:** بُعد دیگری که از خود حیوانی برتر است، خود انسانی نامیده می‌شود. انسان در این مرتبه گذشته از مرحله حیوانی، صاحب تفکر، تعقل، عزم و اراده است. این مرتبه از «خود» ناظر به وجود عقلی انسان است که صاحب ادراک و رای می‌باشد. انسان با این مرتبه از هستی خود با معارف الهی مرتبط می‌شود و تصمیم عاقلانه می‌گیرد.
۴. **وجود الهی انسان:** بالاتر از مرتبه عقلی، همان وجود الهی انسان یا خود نهانی و نهایی اوست که بالاترین مرتبه وجود انسانی است. این لایه، برترین خود انسان است که در حقیقت متعلق به خودش هم نیست، بلکه برای صاحب اصلی و خالق اوست و انسان متعارف نسبت به آن امانتدار الهی است که به این زیور مزیّن گردیده است.

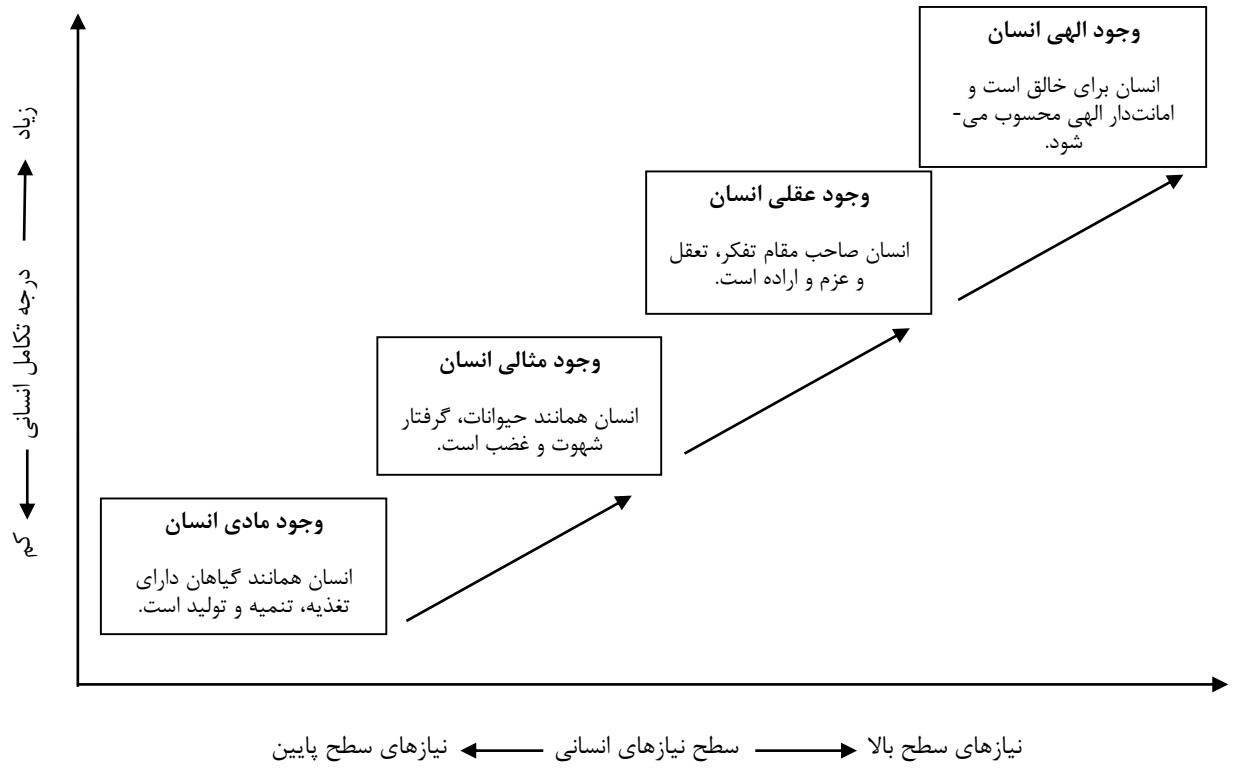

WWW.DLMGROUP.IR

توجه: تمام مراتب وجودی انسان، موهبتی خدادادی است و در انسان‌شناسی باید به همه این مراتب توجه داشت تا انسان‌سازی و شکل‌دهی اکتسابی به بهترین صورت انجام پذیرد؛ ولی در مرتبه والای هستی انسان سخن از امانت ویژه‌ای است که در درون انسان گذارده شده است.

پاسخ تست۱۴۹:

گزینه ۴) بعد الهی صحیح است.

برای مطالعه بیشتر به پاسخ سوال قبل توجه فرمایید.

پاسخ تست۱۵۰:

گزینه۲) تعاون و همکاری صحیح است.

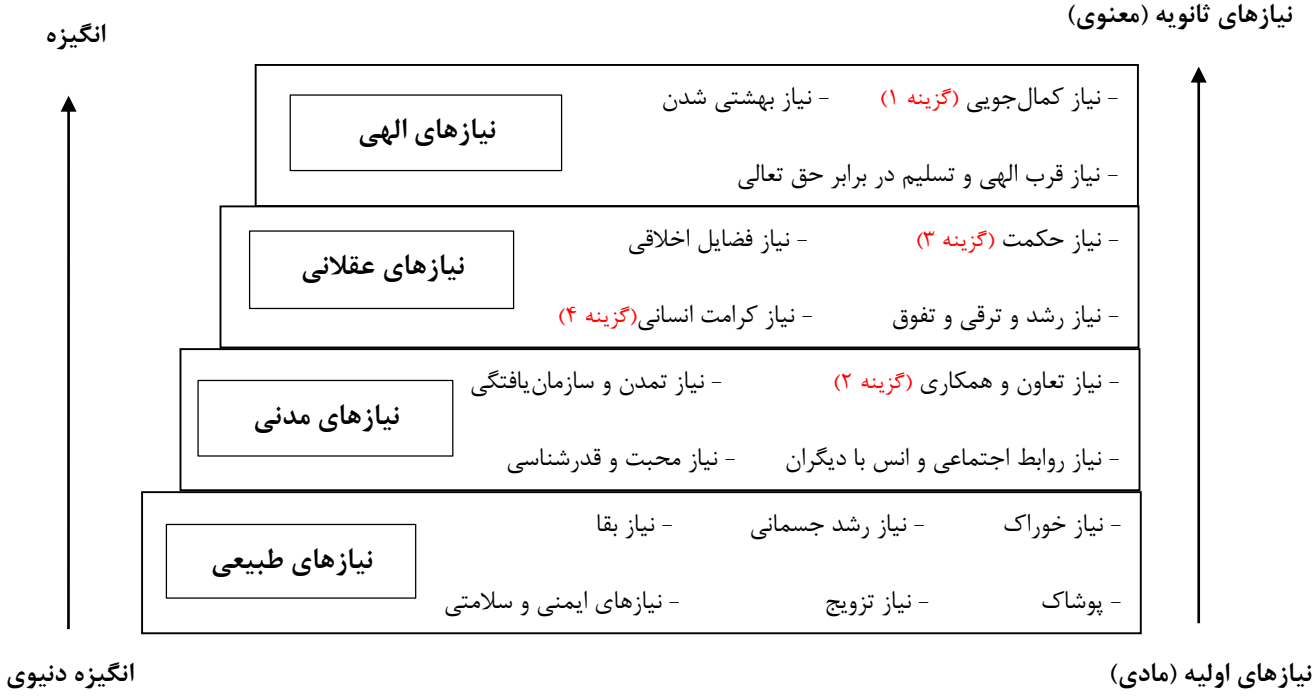

WWW.DLMGROUP.IR

پاسخ تست۱۵۱:

گزینه ۳) لذت‌های نفسانی صحیح است.

از دیدگاه راغب اصفهانی، لذت‌ها به حسب قوای سه‌گانه به سه قسم است؛ لذت عقلی مخصوص انسان است (مانند لذت علم و حکمت)؛ لذت بدنی که مشترک بین انسان و حیوانات است (مانند لذت خوردن و آشامیدن)؛ لذت نفسانی که بعضی از حیوانان در آن با انسان شریک هستند (مانند لذت ریاست و غالب شدن).

پست‌ترین لذات که بسیار زیاد است، همان لذت بدنی است که هر انسان و حیوانی آن را دارا می‌باشد. براساس دیدگاه راغب اصفهانی تمامی لذات بدنی به ده قسم تقسیم می‌شود: خوردن، آشامیدن، پوشیدن، بوئیدن، شنیدن، دیدن، مرکب، خادم، ازدواج و وسایل رفاه. از بین اقسام لذات بدنی، سه لذت خوردن، آشامیدن و ازدواج از ضروریات انسان و حیوان، و سایر لذات، مخصوص انسان و غیرضروری است. اگر میل به لذات فقط معطوف به امور دنیوی و مالی باشد به آن «آزمندی» و اگر در رابطه با غذا باشد به آن «شکم‌پرستی» و اگر در رابطه به ازدواج باشد به آن «شهوت‌رانی» گویند که هر سه مذموم است.

در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که نیازهای طبیعی بشر را مورد توجه قرار داده و نحوه تامین این سطح از نیازهای انسانی را بیان فرموده و دستورالعمل‌های خاصی تبیین نموده است.

به‌کارگیری قوا و غرایزی که خدای حکیم در انسان قرار داده در صورتی که حدود آن رعایت شود ارزش مثبت داشته و در راستای کمال انسان و رضایت خداوند تلقی می‌شود.

در قرآن کریم انسان‌هایی که از خطرها می‌گذرند و به هدف آفرینش خود نائل می‌گردند با وصف «مُفلحین» نام‌گذاری شده‌اند.

پاسخ تست۱۵۲:

گزینه ۴) قدرشناسی صحیح است.

از نظر امام علی (ع) با توجه به نیاز به قدردانی و شناسایی یا «نیاز قدرشناسی» از سوی زیردستان، مدیران باید همواره از اقدامات مهم زیردستان یاد نموده و از زحمات آنها تقدیر کنند. اگر «نیاز به قدردانی و ستایش» در افراد مورد توجه قرار گیرد باعث برانگیختن حس شجاعت در افراد و ریختن ترس می‌شود؛ و یا به عبارت دیگر قدرت ریسک‌پذیری را در افراد سازمان افزایش می‌دهد.

پاسخ تست۱۵۳:

گزینه ۲) نیازهای مدنی صحیح است.

عبارت قرآنی «بَعضُکُم مِّن بَعضٍ» ؛ «هریک از شما وابسته به دیگری است» بیانگر نیاز تعلق و وابستگی افراد جامعه و سازمان به یکدیگر است که براساس آن باید با همکاری و مشارکت یکدیگر، مدنیت را محقق سازند.

WWW.DLMGROUP.IR

پاسخ تست۱۵۴:

گزینه ۲) کرامت اکتسابی صحیح است.

نیازهای عقلایی دارای دو سنخ هستند:

- **نیازهای بینشی** که شامل معارف عقلی و غیر تجربی است و دارای مراتب مختلف عقلی می‌باشد.
- **نیازهای گرایشی** که شامل انواع فضایل اخلاقی همچون عفت، شجاعت، حکمت و عدالت است.

عقل یا همان قوه ناطقه وسیله‌ای است که با آن نیازهای معرفتی انسان تامین می‌گردد و هم وسیله‌ای است که انسان با آن به تشخیص مصالح و منافع یا مفاسد و مضار فردی انسان می‌پردازد و بدین جهت به دو قسمت نظری و عملی تقسیم می‌شود که خواجه نصیرالدین طوسی از آنها به عقل نظری و عقل عملی تعبیر کرده است. حضرت ابراهیم (ع) براساس آیات ۸۳ و ۸۴ سوره مبارکه شعرا، نخستین تقاضایی که از پیشگاه خدا می‌کند شناخت عمیق و حکمت نظری است که زیربنای حکمت عملی می‌باشد. انسان‌ها باید با استفاده از ظرفیت عقلانی خود، تدابیری اتخاذ نمایند که نیازهای مادی در راستای نیازهای معنوی و اخروی، مورد استفاده قرار گیرند. با فعلیت یافتن قوا و استعدادهای قوه ناطقه در انسان، فعالیت‌های قوای شهویه و غضبیه در کنترل قوه عاقله و ناطقه درمی‌آید. همچنین انسان‌ها در راستای تامین نیازهای عقلانی به دنبال ابتکاراتی هستند تا بدان وسیله برای خود تفوق و برتری ایجاد نموده و مسیر رشد و ترقی را با بهره‌گیری از خدمات دیگر افراد در جامعه و سازمان هموار سازند.

نیاز کرامت انسانی یا عزت نفس از جمله نیازهایی است که در سطح نیازهای عقلانی قابل بررسی است. در آیه ۷۰ سوره اسراء همه انسان‌ها مورد تحکیم خداوند قرار گرفته‌اند. انسان دارای دو نوع کرامت است که عبارتند از: **کرامت ذاتی** و **کرامت اکتسابی**. کرامت ذاتی یا کرامت عام آن است که به‌طور تکوینی خلقت آدمی به‌گونه‌ای است که توانایی‌ها و قابلیت‌های خاصی به او اعطا شده و به واسطه این ویژگی‌ها در جایگاه برتر نسبت به بسیاری از مخلوقات الهی قرار می‌گیرد. کرامت اکتسابی آن منزلت و جایگاهی است که انسان در سایه اختیار خود به آن دست می‌یابد و شرافتی است که به‌صورت ارادی و از طریق به‌کار انداختن استعدادها و توانایی‌های ذاتی خود در مسیر رشد، کمال و کسب فضایل اخلاقی بدست می‌آورد. کرامت اکتسابی اختصاص به عده‌ای خاص از انسان‌ها دارد و مهم‌ترین معیار کسب کرامت عبودیت، تقوا و ایمان است. از دیدگاه علامه جعفری کرامت ارزشی یا اکتسابی از به‌کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌شود. این کرامت اکتسابی و اختیاری است و ارزش نهایی و غایی انسان به همین کرامت است. امام علی (ع) در خصوص اهمیت حفظ کرامت انسانی می‌فرمایند: «نفس خود را از هرگونه پستی بازدار، هرچند تو را به اهدافت برساند؛ زیرا نمی‌توانی به اندازه آبرویی که از دست می‌دهی، بهایی بدست آوری».

پاسخ تست۱۵۵:

گزینه ۳) رضا و تسلیم صحیح است.

بهترین چیزی که موجب تقرب بنده به خداوند می‌شود، آن است که از تمامی دنیا و آخرت، هیچ چیز جز خداوند متعال و رضایت او را نخواهد. کمال انسانی دارای درجات مختلفی است که هر فرد براساس نیازهایی که برای خود تعریف می‌کند و متناسب با آن، ظرفیتی در خود ایجاد می‌نماید، می‌تواند به آن مراتب دست یابد. بدیهی است نیل به عالی‌ترین مراتب کمال انسانی که همان مقام خلیفه اللهی باشد در عمل برای همگان ممکن نیست و این، پیامبران الهی هستند که به چنین مقامی به‌طور کامل رسیده‌اند؛ اما هر کس به قدر وسع خویش باید در راستای آن همت گمارد. افرادی که در جامعه فاضله مدیریت می‌شوند، استعدادهای کمالی خود را به تمامه به فعلیت در می‌آورند و آنان که قوه ناطقه آنها کاملا مسلط بر قوای نفس حیوانی باشد و عقل نظری و عملی و قوه ناطقه و

WWW.DLMGROUP.IR

عاقله آنها کاملا فعال باشد، به انسان‌های کامل الهی مبدل می‌شوند. انسان با عقل خود به هستی و خالق آن معرفت پیدا می‌کند و سپس با آن، اوامر و نواهی رسولان خدا را اخذ کرده و اعمال و رفتار خود را آنگونه تنظیم می‌کند که در جهت طریق حق باشد.

همه اموری که به نوعی موجب رشد و کمال و شکوفایی نفس آدمی می‌شوند را می‌توان به دو جنبه نظری و عملی تقسیم کرد. مراد از جنبه نظری، بعد شناختی و معرفتی انسان است و منظور از جنبه عملی آن است که نفس آدمی در سایه رفتارهای خاص، تحولات و فعلیت نوینی می‌یابد که اختصاص به رفتارهای خارجی و فیزیکی ندارد، بلکه اعمال باطنی و درونی را نیز شامل می‌شود. آیه ۲ سوره جمعه به جنبه نظری (تعلیم کتاب و حکمت) و جنبه عملی (تزکیه نفوس) اشاره دارد.

«هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولًا مِّنْهُمْ یَتْلُو عَلَیْهِمْ آیَاتِهِ وَیُزَکِّیهِمْ وَیُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ وَالْحِکْمَةَ وَإِن کَانُوا مِن قَبْلُ لَفِی ضَلَالٍ مُّبِینٍ» «اوست که در میان امّیان (مردم مکه که غالبا بی سواد بودند) فرستاده ای از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها تلاوت می‌نماید و آنها را (از پلیدی های عقیدتی و اخلاقی و عملی) پاکیزه می‌کند و به آنها کتاب (آسمانی) و معارف دینی و عقلی می‌آموزد ، و حقیقت این است که آنها پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.»

در فرهنگ قرآنی، کمال نظری و عملی انسان «قرب الهی» نامیده می‌شود که از آن گاه با عنوان «عندالله» یاد می‌شود. آیه ۱۶ سوره تغابن «فَاتَّقُوا اللهَ مَا استَطَعتُم» بیانگر این حقیقت است که تقوا دارای حد خاصی نیست، بلکه فضیلتی است که هرکس به حد وسع و توان خویش باید در راه کسب آن تلاش کند.

الگوی مدینه فاضله ابوریحان بیرونی جامعه دینی‌ای است که در آن عامل انگیزش و حرکت نه حبّ و بغض است و نه رجا و خوف، بلکه رضا و تسلیم است. حرکت و انگیزش انسان و جامعه انسانی در قوس صعودی خود از حبّ و بغض (انسان طبیعی) به رجا و خوف (انسان مدنی و معقول) و در نهایت به رضا و تسلیم (انسان کامل) می‌رسد و بدین ترتیب حکومت فاضله در برابر حکومت جاهله تحقق می‌یابد. از جمله درخواست‌هایی که حضرت ابراهیم (ع) به درگاه الهی عرضه داشت، شناخت عمیق و صحیح (حکمت نظری)، ملحق شدن به صالحین، اسوه بودن و سعادتمندی در سرای آخرت بود.

پاسخ تست۱۵۶:

گزینه ۱) رجا صحیح است.

«خوف» و «رجا» هر دو به آینده انسان مربوط هستند. بیم از محرومیت و نیز امید به آینده بهتر در فطرت انسان ریشه دارند و دو عامل نیرومند هستند که انسان را به کوشش و خودسازی و اصلاح امور مادی و معنوی خویش وا می‌دارند. «خوف» حالتی است ناشی از شناخت خدا به این لحاظ که قادر است نعمت‌های دنیایی را در آینده از ما سلب کند و از نعمت‌های اخروی محروممان سازد و «رجا» حالتی است ناشی از شناخت خدا به این لحاظ که می‌تواند در آینده نیز به اعطای این نعمت‌های دنیایی ادامه دهد، از نظر کمّی و کیفی آن را بیفزاید و ما را از نعمت‌های بزرگ اخروی نیز برخوردار سازد. حرکت و انگیزش انسان و جامعه انسانی در قوس صعودی خود از حبّ و بغض (انسان طبیعی) به رجا و خوف (انسان مدنی و معقول) و در نهایت به رضا و تسلیم (انسان کامل) می‌رسد و بدین ترتیب حکومت فاضله در برابر حکومت جاهله تحقق می‌یابد.

پاسخ تست۱۵۷:

گزینه ۳) نیازهای عقلایی صحیح است.

اقدامات مدیریت برای تامین نیازهای کارکنان متناسب با سطوح نیازها در سازمان آخرت‌گرا

سطوح نیازها	مصداقهای نیازها در سطح سازمان	اقدامات عملی برای ارضاء نیازها در سازمان
نیازهای طبیعی	نیاز به منابع مالی برای امرار معاش خود و خانواده؛ بهداشت جسمانی و روانی؛ تضمین آینده شغلی؛ برخورداری از تسهیلات سازمانی.	برقراری نظام حقوق و دستمزد کارآمد؛ قراردادهای استخدامی پایدار و منصفانه؛ بیمه-های درمانی بازنشستگی؛ فراهم نمودن امکانات رفاهی و مسکن
نیازهای مدنی	مشارکت در فعالیتها: تعاملات اجتماعی برای حل مسائل سازمانی و فردی؛ علاقمندی افراد به مطرح شدن و مورد تقدیر قرار گرفتن.	ایجاد سبک مدیریت مشارکتی؛ تشکیل گروه-های کاری رسمی و غیررسمی در سازمان؛ برقراری نظام پاداش و تنبیه عادلانه
نیازهای عقلانی	فراهم‌سازی امکان بهره‌گیری از خلاقیت‌ها و توانایی فکری افراد؛ ایجاد فضای کاری مبتنی بر فضایل اخلاقی؛ امکان رشد و ترقی برای افراد؛ احترام به جایگاه و منزلت افراد.	ایجاد سبک مدیریت حکیمانه در جهت تامین نیازهای بینشی و معرفتی افراد در راستای مصالح افراد و سازمان؛ توسعه فرهنگ سازمانی اخلاقی؛ نظام استخدام و ارتقا مبتنی بر شایستگی.
نیازهای الهی	خودسازی معنوی و دستیابی به کمالات معنوی؛ حس مفید بودن برای جامعه و تلاش برای پیاده‌سازی آرمانهای فردی و سازمانی در مسیر قرب الهی؛ فداکاری و از خود گذشتگی برای جلب رضایت الهی	طراحی سازمان آخرت‌گرا؛ ترویج شعائر و فرهنگ اسلامی در محیط کار؛ ایجاد سبک مدیریت اسلامی

WWW.DLMGROUP.IR

پاسخ تست۱۵۸:

گزینه ۱) عدل اختیاری (اعتدال) صحیح است.

مفروضات اساسی حاکم بر سلسله مراتب نیازها:

- اصل سلسله مراتب نیازها و تقدم نیازهای معنوی بر نیازهای مادی
- اصل عدم شیفتگی به نیازهای مادی
- اصل سیری‌ناپذیری نیازها

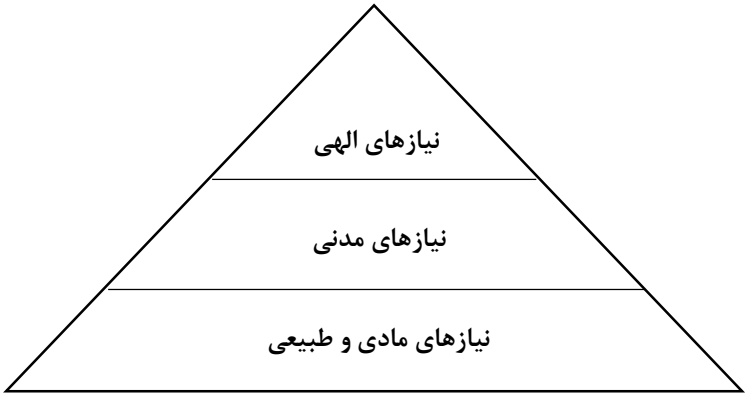

سلسله مراتب نیازها براساس آموزه‌های قرآنی

تامین نیازهای مادی	⇐	**فرح** (گشودگی سینه به جهت لذت حال یا لذات بدنی و دنیوی)
تامین نیازهای معنوی و اخروی	⇐	**سرور**(گشودگی سینه به جهت لذت حال و آینده یا اخروی)

در رابطه با اصل سلسله مراتب نیازها و تقدم نیازهای معنوی بر نیازهای مادی پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «بهترین شما آن نیست که دنیای خویش را برای آخرت خود واگذارد و نه آخرت خویش را برای دنیا واگذارد، بلکه باید از هر دو بهره گیرد که دنیا وسیله رسیدن به آخرت است و سربار مردم نباشید».

در ادبیات اسلامی هرگاه از دنیا مذمت شده، مراد، دل بستن به ارزش‌های غیرالهی و غیرانسانی است و وقتی از دنیا با عنوان «مزرعه آخرت» و «مسافرخانه» یاد شده، مراد همین طبیعت محسوسی است که خداوند برای انسان‌ها آفریده است. زندگی در دنیا مقدمه زندگی در آخرت است و سعادت آخرت با کار و تلاش در این دنیا بدست می‌آید و این، اندک مدتی که خدای متعال در این عالم در اختیار انسان قرار داده در واقع کلید گنج‌های آخرتی و ابدی او خواهد بود. ارزش این دنیا ذاتی و بالاصله نیست، بلکه مقدمی و ابزاری می‌باشد. حضرت علی (ع) خطاب به مالک اشتر، ارتباط نیازهای مادی با نیازهای معنوی را مورد اشاره قرار داده و می‌فرماید: «پرهیزکاران در بهترین خانه‌های دنیا سکونت کردند، بهترین خوراک‌های دنیا را خوردند و همان لذت‌هایی را چشیدند که دنیاداران چشیده بودند و از دنیا بهره گرفتند، آنگونه که سرکشان و متکبران دنیا بهره‌مند بودند. سپس از این جهان با زاد و توشه فراوان و تجارتی پرسود به سوی آخرت شتافتند».

مطرح شدن نیازهای طبیعی، مدنی و عقلانی در پله‌های زیرین سلسله مراتب نیازها، به معنای تقدم زمانی این نیازهاست و بیانگر اولویت حقیقی آنها نمی‌باشد. آنچه اولویت است، تامین نیازهای معنوی و الهی انسان است و تامین نیازهای سطوح پایینی باید در راستای تامین نیازهای الهی باشد. فداکاری‌های رسول اکرم (ص) در ترویج دین مبین اسلام، جان‌فشانی‌های امام علی (ع)، حضرت فاطمه زهرا (س)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع) و سایر ائمه بزرگوار اسلام (ع)، نمونه‌های بسیار نابی هستند که در خصوص تقدم نیازهای معنوی بر نیازهای مادی آن بزرگواران مثال زدنی است؛ به‌گونه‌ای که برای دستیابی به نیازهای والای الهی حتی از جان خود نیز گذشتند.

در رابطه با اصل عدم شیفتگی به نیازهای مادی انسان عاقل از نعمت‌های دنیا در حد اعتدال بهره می‌برد اما شیفته دنیا و غافل از یاد خدا نمی‌شود. انسان حق دارد از خدا بخواهد آنچه را مصلحت اوست و خود قادر به دستیابی به آن نمی‌باشد، به او کرامت فرماید و

WWW.DLMGROUP.IR

در این راه سعی و تلاش نیز بنماید. آنچه خارج از نفس است مانند ثروت و مال، مقام و امثال آن را «**خیرات متوسط**» می‌نامند، زیرا گاهی به فضیلت می‌رسند و گاهی به رذیله منجر می‌شوند؛ و این بدان جهت است که اگر همراه و در اطاعت عقل باشد، سبب دستیابی به خیرات می‌شود و اگر با جهل همراه باشد، سبب و دلیل شرور می‌گردد.

در رابطه با اصل سیری‌ناپذیری نیازها باید «فرهنگ شکرگزاری»، «اصل اعتدال در ارضای نیازها» و همچنین «اصل کفایت و ضرورت در استفاده از منابع مادی» در سازمان آخرت‌گرا، جزء اولویت‌های اساسی قرار گیرد.

«شکرگزاری» دارای سه مرحله است: ۱. تفکر و توجه به بخشنده نعمت و شناخت او ۲. شکر زبانی ۳. شکر عملی

یعنی هر نعمتی را باید در راستای هدف آن مصرف کرد. یکی از سنت‌های الهی آن است که سپاس‌گزاری وسیله افزونی نعمت‌هاست و ناسپاسی ممکن است انسان را گرفتار عذاب الهی کند.

انسان‌های تربیت نایافته در برابر مشکلات زانو می‌زنند و زمانی که رحمت الهی شامل آنها می‌شود، به عوض «شکرگزاری» آن را حاصل کار خود می‌دانند و مغرور می‌شوند. این همان چیزی است که می‌توان از آن با عنوان «تفکر و نگرش قارونی» یاد کرد. مشکل قارون آن بود که ثروت و توفیق خویش را تنها مرهون تلاش، زحمت، دانش و تعقل خود می‌دانست و سهمی برای خداوند قائل نبود و توحید افعالی نداشت.

در زمینه «اصل اعتدال در ارضای نیازها» مسکویه قوای نفسانی انسان را به سه دسته تقسیم می‌کند:

- قوه‌ای که اندیشیدن و تمییز و نظر در حقایق امور دارد؛
- قوه‌ای که انسان به سبب آن، غضب کرده و به کارهای هولناک دست می‌یازد؛
- قوه‌ای که فرد به سبب آن، شهوات، خواهش‌ها، راحتی‌ها و خوردنی‌ها را می‌طلبد.

هریک از قوای مزبور حد اعتدال، افراط و تفریط دارند. بر مبنای اصل اعتدال در قوا، سه فضیلت از آنها ناشی می‌شود: براساس اعتدال در قوه تمیز که در نفس ناطقه (عقل) است، فضیلت حکمت به‌وجود می‌آید؛ در قوه غضبیه، فضیلت شجاعت شکل می‌گیرد و در قوه شهویه که در حس شهوانی است، فضیلت عفّت پدید می‌آید. اجتماع فضایل سه‌گانه در انسان قوّتی به نام «عدالت» پدید می‌آورد که مسکویه از آن به عنوان «**عدل اختیاری**» یاد می‌کند که وظیفه آن، برقراری اعتدال بین قوای سه‌گانه است.

خواجه نصیرالدین طوسی معتقد است که اساس کمال نفسانی انسان بر اعتدال است؛ یعنی کمالات نظری و عملی او بر اعتدال قوای ادراکی (شناخت) و قوای تحریکی (قوای شهویه و غضبیه) استوار است و این امر با به انقیاد درآوردن این قوا به وسیله قوه عاقله است. اگر قوه شهویه منقاد (تحت انقیاد) قوه عاقله قرار گیرد، تبدیل به عفّت می‌شود و اگر قوه غضبیه منقاد قوه عاقله درآید، تبدیل به شجاعت می‌گردد و اگر قوه شناخت منقاد قوه عاقله درآید، تبدیل به حکمت می‌شود. حاصل اعتدال سه قوه شناخت، شهوت و غضب (یعنی حاصل کمال قوه علمی وعملی نفس)، خلیفه خدا شدن در میان خلق و انسانی تام مطلق گردیدن است. انحراف از قوای سه‌گانه ادراکی و تحریکی باعث افراط و تفریط می‌گردد. انحراف در قوه شناخت، از شیطنت یا کودنی؛ انحراف در قوه شهویه یا از آز، لذت‌طلبی و شهوت‌رانی سردر می‌آورد و یا موجب دنیاگریزی و گوشه‌گیری می‌شود؛ و انحراف در قوه غضبیه یا باعث ظلم و تجاوز می‌شود و یا جُبن و ترسویی می‌آورد که در هر صورت خروج از ایده‌آل است و انسان را از هدف و مسیر کمالی خود دور می‌کند.

راغب اصفهانی می‌گوید عقل به مثابه سواری است ماهر و زبردست که به شکار می‌رود، شهوت او همان اسب او و غضب او همان سگ شکاری‌اش می‌باشد.کمال عقل علم است؛کمال عفّت پرهیزکاری است، کمال شجاعت تلاش و مجاهده است و کمال عدالت انصاف است.

در زمینه اصل کفایت و ضرورت در استفاده از منابع مادی حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «کسی که به اندازه کفایت زندگی از دنیا بردارد به آسایش دست یابد و آسوده خاطر گردد، در حالی که دنیاپرستی کلید دشواری و مرکب رنج و گرفتاری است.»

WWW.DLMGROUP.IR

پاسخ تست۱۵۹:

گزینه ۴) هر سه مورد صحیح است.

لطفا به پاسخ سوال قبل توجه فرمایید.

برای مطالعه بیشتر به کتاب اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، دکتر سید محمد مقیمی، انشارات راه‌دان، صفحه ۳۳۱ مراجعه فرمایید.

پاسخ تست۱۶۰:

گزینه ۲) نفس لوّامه صحیح است.

موجودیت یا شخصیت آدمی که در قرآن با واژه «نفس» از آن یاد شده است، عرصه یا میدانی است که عوامل و عناصر مختلفی از درون و بیرون آن دست‌اندرکار هستند. معرفت و تمایل درونی نسبت به خدا در عمق ضمیر انسان ریشه دوانده است (فطرت) که هرگاه فعال و پویا گردد، اضطراب را از صفحه شخصیت وی می‌زداید و آرامش و سکونی ژرف در آن پدید می‌آورد **(نفس مطمئنه)**. تمایلی نیرومند در انسان وجود دارد که نیازهای اولیه و غریزی انسان را برآورده می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که این تمایل می‌تواند چندان قوت بگیرد که مرزهای اخلاقی را درنوردد **(نفس امّاره)**. در انسان عاملی برای بازشناسی درست و نادرست یا خوب و بد و راهیابی به سوی درستی و خوبی (عقل) و نیرویی برای انتقاد از خویش به هنگام درنوردیدن مرزها و روی‌آوردن به ناراستی‌ها **(نفس لوّامه)** وجود دارد و اراده و اختیار، نیرویی تعیین‌کننده برای اقدام و عمل است. حالتی از نفس نیز قدرت الهام‌گیری از خداوند متعال را دارد. **(نفس ملهمه)**

نفس از آن نظر که عامل حیات است «جان»، از آن نظر که مرکز احساسات، عواطف و هیجانات است «قلب(فواد یا دل)» و از آن نظر که مرکز ادراک، فهم و شعور است «عقل» خوانده می‌شود.

نفس ملهمه	قدرت الهام‌گیری از خداوند متعال را دارد.
نفس امّاره	یعنی نفس به بدی امر می‌کند. (مگر آن کس که خداوند به او رحم کند)
نفس لوّامه	نفسی که انسان را نسبت به گناه سرزنش می‌کند. (وجدان)
نفس مطمئنه	یعنی نفس دارای آرامش و اطمینان است.

انسان موجودی متشکل از جسم و روح است و شخصیت هر کس برآیند تعامل رفتار و اندیشه (باطن و ظاهر) وی می‌باشد که بر یکدیگر تاثیر متقابل دارند. بدن مادی انسان فناپذیر و روح انسان جاودانی است و به اعتقاد علامه جعفری آنچه در تعریف انسان باید مورد توجه قرار گیرد، بُعد روحانی و ملکوتی اوست. روح گوهر مستقل وجود انسان است و منشا الهی دارد و خداوند دانش اندکی در خصوص اسرار روح در اختیار انسان قرار داده است.

« وَ یَسئَلونَک عَنِ الرّوحُ قُل الرّوحُ مِن اَمرِ رَبّی وَ ما اوتیتُم مِنَ العلمِ الّا قَلیلًا» ؛ «و تو را از روح پرسند، بگو: روح از فرمان پروردگار من است، و شما را از دانش جز اندکی نداده‌اند.» (سوره اسراء آیه ۸۵)

صدرالمتألهین معتقد است که روح دارای دو مرتبه است:

۱. مرتبه عقلانیت و تجرد کامل (تمامی ارواح به‌صورت بسیط وجود داشته‌اند)
۲. مرتبه نفسانیت (مرتبه تنزل یافته‌ای از روح که به بدن تعلق می‌گیرد)

ارتباط روح و بدن ارتباطی دو سویه است؛ یعنی از یک‌سو بدن در روح اثر می‌گذارد و از سویی دیگر روح بر بدن. آن اصل اصیلی که هویت انسان است و انسانیت وی را تامین می‌کند، همان روح ملکوتی اوست. در تعبیرات دینی از این حقیقت تغییرناپذیر به «قلب» نیز یاد شده است. مثلا وقتی کسی مورد توهین قرار می‌گیرد و ناراحت می‌شود ابتدا روح اوست که آزرده می‌گردد و سپس نمود فیزیکی می‌یابد یعنی رنگش قرمز و ضربان قلبش زیاد می‌شود.

قرآن بیان می‌فرماید که ارتباط روح با بدن دارای دو مرتبه ضعیف و قوی است. روح مستقل از بدن است و اصالت و هویت انسان به روح اوست. برای روح سه خاصیت عمده وجود دارد که عبارتند از: درک و شعور، تمایلات و رغبت‌ها و قدرت تصمیم‌گیری و اراده.

ابن‌سینا از جنبه‌های علّی شخصیت به «خُلق» تعبیر نموده و در تعریف آن می‌گوید خُلق ملکه‌ای است که به وسیله آن افعال و رفتار به سهولت و بدون تردید از فرد صادر می‌شود. بنابراین صفت خُلقی، ملکه یا توانایی نسبتا دائمی است که تعیین می‌کند یک فرد در موقعیت‌های معین چگونه رفتار خواهد کرد. تعبیر «ملکه» اشاره به این دارد که یک ویژگی یا خصوصیت باید نسبتا پایدار باشد تا بتوانیم تعبیر خُلق را برای آن به‌کار بریم.

علاوه بر نفس، مفهوم دیگری با عنوان «شاکله» در قرآن وجود دارد که می‌توان از آن به «شخصیت» تعبیر کرد.

«قُل کُلٌّ یَعمَلُ عَلی شاکلَته ِ فَربُّکُم اَعلمُ بمَن هُوَ اَهدی سَبیلًا» ؛ «بگو هر کسی براساس ساختار روانی (شاکله) خود عمل می‌کند؛ پس پروردگار شما بهتر می‌داند که چه کسی راه یافته‌تر است». (سوره اسراء آیه ۸۴)

این آیه مبارکه بر اطلاق شاکله به عنوان محرک کنش دلالت دارد. اصلی‌ترین معنای شاکله، هیئت و ساختار روانی انسان است که بر اثر تعامل وراثت، محیط و اختیار شکل گرفته به‌گونه‌ای که محرکات محیطی را منطبق با خود تفسیر کرده و در مقابل آنها به شیوه‌ای خاص پاسخ می‌دهد. نزدیک‌ترین مفهوم به شاکله در علم روانشناسی مفهوم شخصیت می‌باشد. منظور از شاکله، عادات و روش‌ها و سنت‌هایی است که انسان در اثر تکرار اعمال اختیاری به صورت ملکات بدست می‌آورد. به عبارت دیگر خلق و خو، عادت و طبیعت را «شاکله» گویند. از آنجا که روحیات و سجایا و عادات هر انسانی او را مقید به رویه یا رفتاری خاص می‌کند، به آن «شاکله» می‌گویند. هر کس براساس شاکله خود و البته براساس اختیار عمل می‌کند. انسان دارای دو نوع شاکله است: شاکله برخاسته از آفرینش او که از ترکیب و تعامل قوای وی با یکدیگر پدید می‌آید و شاکله برخاسته از محیط و آداب و رسوم و جوی که در آن زندگی می‌کند. چه بسا اختلاط با محیط ناسالم، انسان را از فطرت خویش دور سازد. انسان وزین در شئون علمی و عملی تابع اصل است در حالی که انسان خفیف تهی از برهان می‌باشد و بدل را به جای اصل می‌نشاند. قرآن کریم انسان‌های وزین را «اولوالالباب» به معنای «صاحبان خرد ناب» (در مقابل کوردلان) می‌خواند و از انسان‌های خفیف با عبارت «وأفدَتُهُم هَواء» یاد می‌کند که از «فواد هواء» آنها عمل عالمانه برنمی‌خیزد و از دل خالی از علم و عقیده آنها آتش می‌جوشد.

انسان‌ها فرهنگ مشترکی به نام فطرت الهی دارند، لیکن در هوشمندی یکسان نیستند. «فطرت» پل ارتباطی انسان با پیامبران و محل تصرف و نفوذ آنها در جان است. با این حال فطرت نقشی فراتر از محرک و مشوق بودن ندارد. چیزی را فطری می‌گویند که نوع خلقت انسان، اقتضای آن را داشته باشد. خاصیت امور فطری این است که اولاً اکتسابی نیست و ذاتی و خدادادی است، ثانیاً در عموم افراد (با شدت و ضعف) وجود دارد و ثالثاً قابل تبدیل و تغییر نمی‌باشد.

WWW.DLMGROUP.IR

به‌طور کلی در منابع دینی فطرت در دو مورد به کار گرفته شده است:

۱. شناخت فطری (شناخت‌ها و ادراک‌هایی که به فطرت نسبت داده می‌شود)
۲. تمایلات فطری (کشش‌ها و غرایزی که منشا رفتار خاصی در انسان‌ها هستند)

نکته: ریشه همه کمالات و رسیدن به مقام ولایت و انسان کامل «معرفت نفس و خویشتن‌شناسی» است. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «خودشناسی آن است که انسان خود را به چهار طبیعت (خون، صفرا، باد و بلغم) و چهار ستون (عقل، فهم، حافظه و دانش) و چهار رکن(نور، آتش، روح و آب) بشناسد».

پاسخ تست۱۶۱:

گزینه ۲) نظام غضبی صحیح است.

به نظر ابن‌سینا سه نظام روانی وجود دارد که در رفتار آدمی نقش دارند:

۱. **نظام التذاذی:** برای بدست آوردن لذت از راه نزدیکی به چیزهای تخیل شده‌ای که ضروری یا سودمند هستند، فعال می‌شود و مرکب از غرایز، تمایلات و خواسته‌های فرد است.
۲. **نظام غضبی:** برای حفظ شخص از ضرر یا مفسده اعمال می‌شود. ویژگی‌هایی چون خوف، غضب، غم، کینه، حسادت و... که برای حفظ و بقای فرد به کار می‌رود.
۳. **نظام تدبیری:** عالی‌ترین نظام روانی و مهم‌ترین بُعد انسان که او را از حیوانات متمایز می‌کند، نظام تدبیری است که اراده در آن نقش مهمی دارد. در واقع نظام تدبیری همان بعد عقلانی است که انسان را در تصمیم‌گیری برای تحقق خواسته‌ها و آرزوهایش از روی اراده و اختیار، رهنمون می‌سازد.

نکته ۱: (در مورد گزینه ۴) راغب اصفهانی معتقد است غضب یا نسبت به مافوق، یا نسبت به زیردست و گاهی نسبت به هم‌رتبه اتفاق می‌افتد. در حالت اول خون به جوش آمده منقبض می‌شود؛ در حالت دوم خون به جوش آمده منبسط می‌شود؛ و در حالت سوم خون به جوش آمده در حالتی بین انبساط و انقباض در نوسان است که به این حالت «حقد» گویند.

نکته ۲: منش‌های رفتاری انسان‌ها را می‌توان در سه دسته زیر قرار داد:

۱. انسان فرشته‌خو (کسی است که به مقدار توان و تلاش خود، قوه عاقله‌اش را به کار می‌گیرد و اینها مومنان واقعی و راستین هستند)
۲. انسان شیطان صفت (کسی است که قوه شهوت و هوای نفس خود را به کار می‌گیرد و اصلا توجهی به مقتضای عقل خود ندارد)
۳. انسان با صفت انسانیت (کسی است که اعمال شایسته و صالحه خود را با اعمال بد و ناروا مخلوط سازد و هر دو قسم اعمال را به جای آورد)

WWW.DLMGROUP.IR

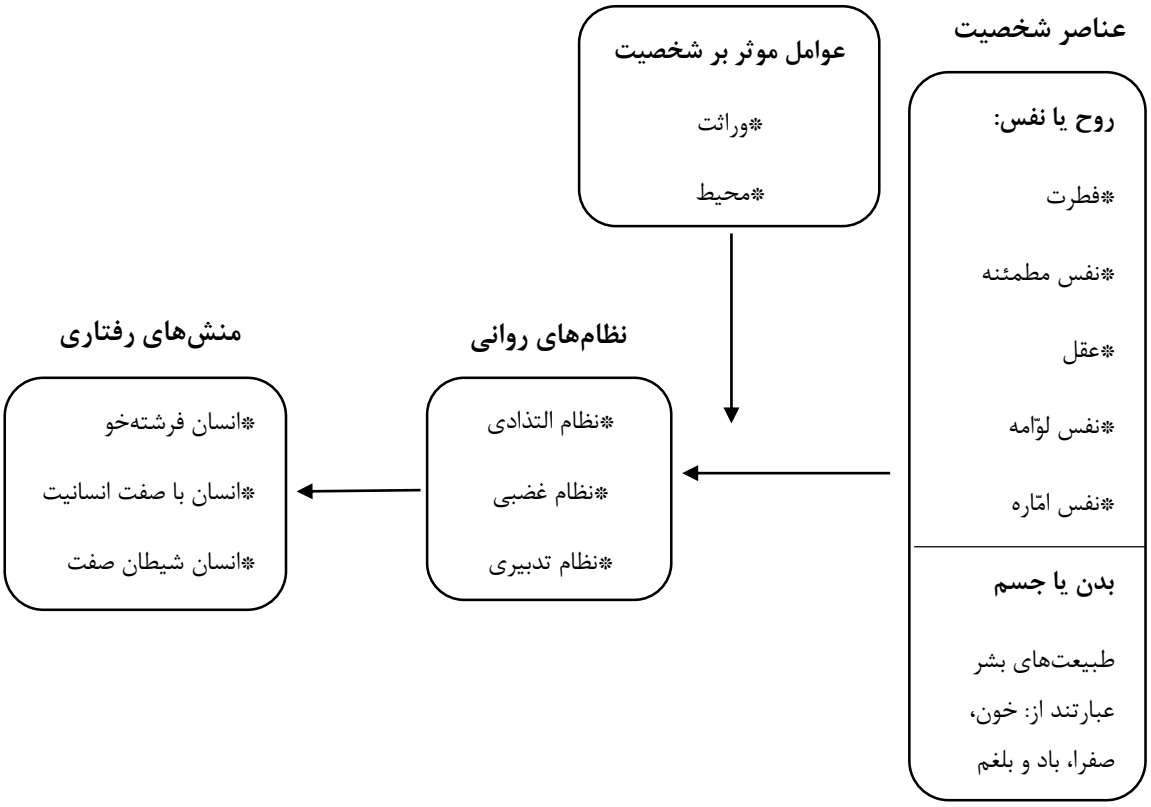

نکته ۳: در سوره مبارکه عصر برای نجات از خسران عظیم بر چهار اصل تاکید می‌شود:

۱. ایمان و اصلاح مبانی فکری و اعتقادی (شناخت و آگاهی)
۲. اعمال صالح (براساس اعتقادات)
۳. تواصی به حق (دعوت همگانی به حق، احقاق حق و اجرای حق)
۴. تواصی به صبر (تصمیم‌گیری برای استقامت در برابر موانع و سفارش کردن یکدیگر به آن)

WWW.DLMGROUP.IR

پاسخ تست۱۶۲:

گزینه ۱) نیت صحیح است.

کارهای اختیاری که از انسان صادر می‌شود دارای دو جز است:

۱. ظاهر، عمل و نمود خارجی آن
۲. پشتوانه معنوی عمل یا نیت

در روایات آمده است «النیّتُ اساسُ العَمَل» و «العملُ بالنیّات» یعنی نیت پایه و اساس عمل است. حسن فاعلی بر حسن فعلی برتری دارد تا کاری زیربنای محکمی نداشته باشد، نتیجه‌ای مطلوب و مقبول و قابل اعتماد نخواهد داشت. اینکه در اسلام برای نیت اهمیت ویژه‌ای قائل شده‌اند، به این دلیل است که نیت پشتوانه علمی و فکری کار است. اگر کاری ارادی و اختیاری انجام شود، لازمه آن علم و آگاهی است.

پاسخ تست۱۶۳:

گزینه ۳) فرهنگ سازمانی و اخلاقیات صحیح است.

جلوه‌های رفتار انسانی در سازمان در دو سطح مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف. رفتار سازمانی در سطح فردی

- رفتارهای کارکردی (مثبت) و غیر کارکردی (منفی) سازمانی
- بهداشت روانی و مدیریت استرس
- عدالت سازمانی
- اعتمادسازی و تعهد سازمانی

ب. رفتار سازمانی در سطح گروهی و سازمانی

- ارتباطات سازمانی
- فرهنگ سازمانی و اخلاقیات
- مدیریت تعارض
- رهبری سازمانی

WWW.DLMGROUP.IR

پاسخ تست۱۶۴:

گزینه ۲) رفتارسازمانی خنثی صحیح است.

با عنایت به آموزه‌های نهج‌البلاغه می‌توان افراد یک سازمان را در قالب سه گروه به شرح ذیل دسته‌بندی نمود:

۱. **گروه پرهیزکاران (رفتارهای سازمانی مثبت):** که می‌توان از آنها با عنوان «کارکنان تعالی‌گرا» یا «منابع انسانی ممتاز» یاد کرد که رفتار آنان در سازمان منجر به شکل‌گیری رفتار شهروندی سازمانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی می‌گردد.

شاخص‌های رفتارهای سازمانی مثبت (رفتار شهروندی سازمانی) بر مبنای خطبه ۱۹۳ نهج‌البلاغه (خطبه همام) عبارتند از:

- ❖ رفتار خدامحورانه و خداپسندانه
- ❖ رفتار ایثارگرانه
- ❖ رفتار مددکارانه
- ❖ رفتار نجیبانه
- ❖ رفتار تعالی‌گرایانه
- ❖ رفتار قناعت‌گرایانه
- ❖ رفتار اعتدال‌گرایانه

۲. **گروه بی‌تفاوت‌ها (رفتارهای سازمانی خنثی):** امام علی (ع) در خطبه ۹۷ خطاب به مردم کوفه که برای نبرد نهایی با معاویه سستی می‌ورزیدند، می‌فرمایند: «... صبحگاهان کجی‌های شما را راست می‌کنم، شامگاهان به حالت اول برمی‌گردید؛ همچون کمان سختی که نه کسی قدرت راست کردن آن را دارد و نه خودش قابلیت راست شدن را داراست. ای مردمی که بدن‌های شما حاضر و عقل‌های شما پنهان و افکار و آراء شما گوناگون است و زمامداران شما دچار مشکلات شمایند... ای اهل کوفه! گرفتار شما شده‌ام که سه چیز دارید و دو چیز ندارید: کرهایی با گوش‌های شنوا، گنگ‌هایی با زبان گویا، کورانی با چشمهایی بینا. نه در روز جنگ از آزادگانید و نه به هنگام بلا و سختی برادران یکرنگ می‌باشید... ای مردم! شما چونان شتران دور مانده از ساربان می‌باشید، که اگر از سویی جمع‌آوری شوند، از دیگر سو، پراکنده می‌گردند»
انسان‌های بی‌تفاوت کسانی هستند که همواره نالان و بی‌حرکت‌اند و به بهانه‌های مختلف تلاش می‌کنند از انجام وظایف و نقش‌های خود طفره روند و علی‌رغم اینکه زیر چتر سازمان جمع شده‌اند، دلشان با سازمان نیست و نافرمانی می‌کنند. کارکنان بی‌تفاوت شعارهای آتشین می‌دهند ولی زمانی که نوبت به عمل می‌رسد، از صحنه گریزانند و دنیاطلبی آنها بر آخرت‌گرایی‌شان غلبه دارد. اگر در سازمانی افراد بی‌تفاوت و مسئولیت‌گریز اکثریت را تشکیل دهند، سازمان سرگردان شکل می‌گیرد. سازمانی که در آن افراد در شرایط عادی مدافع آرمان‌ها و اهداف سازمان هستند و مدیران روی آنها حساب باز می‌نمایند، اما به وقت اقدام و عمل، از مسئولیت‌ها شانه خالی می‌کنند و با کمترین چالش و کوچکترین طوفانی، عقب می‌کشند.

WWW.DLMGROUP.IR

۳. **گروه منافقان (رفتارهای سازمانی مخرب)**: براساس خطبه ۱۹۴ نهج‌البلاغه ویژگی‌های نفاق سازمانی را که بیان‌گر رفتار ضدشهروندی سازمانی یا غیرشهروندی است، می‌توان در قالب مضامین ذیل تبیین نمود:
   - خطاپیشه و مشوق خطاکاری
   - متلوّن (یعنی ظاهر شدن به رنگ‌های گوناگون و استفاده از ترفندهای مختلف برای گمراهی افراد)
   - کمین‌کنندگی
   - بیماردلی
   - پنهان‌کاری و بی‌راه‌پیمایی
   - تعارض گفتار و کردار
   - بدخواه مردم و حسدورز
   - نخود هر آش شدن
   - نان قرض دادن (در معنای انتظار پاداش داشتن در ازای مدح و ستایش)
   - اصرار نابجا
   - پرده‌دری
   - تندروی و اسراف در داوری
   - بنای ناسازگاری گذاشتن
   - پاشیدن بذر ناامیدی
   - مغالطه‌کاری و ایجاد تردید در افراد
   - دام‌گستری (در ابتدا راه را آسان و سپس در تنگناها به بن‌بست می‌کشانند)

امام علی (ع) این گونه افراد را یاوران شیطان و زبانه‌های آتش جهنم می‌نامند که زیانکاران خواهند بود؛

رفتارهای افراد منافق که اصطلاحا ستون پنجم نامیده می‌شوند همدلی و یکپارچگی سازمانی را دچار خدشه می‌سازد و خطر آنان به مراتب بیشتر از کفار و کسانی است که به اهداف و آرمان‌های جامعه اسلامی ایمان ندارند؛ چراکه منافقان در پوشش اعضای مومن از پشت خنجر می‌زنند و اقدام به بروز رفتارهای سازمانی مخرب می‌کنند و سازمانی «دنیاگرا» را شکل می‌دهند و به دنبال تامین منافع خود هستند.

گروه پرهیزگاران (**رفتارهای سازمانی مثبت یا رفتار شهروندی سازمانی**)	**گروه بی‌تفاوت‌ها** (**مسئولیت‌گریز – رفتارهای سازمانی خنثی**)	**گروه منافقان** (**رفتارهای سازمانی مخرب یا ضد شهروندی**)	**سطح جامعه (سطح کلان)**
شکل‌گیری سازمان آخرت‌گرا با کارکنان موثر	شکل‌گیری سازمان سرگردان با کارکنان بی‌تفاوت	شکل‌گیری سازمان دنیاگرا با کارکنان منفعت طلب	سطح سازمان (سطح میانه)
رفتارهای سازمانی فرانقشی (رفتارهای پرهیزگارانه)	رفتارهای سازمانی خنثی (رفتارهای محافظه کارانه)	رفتارهای مخرب سازمانی (رفتارهای منافقانه)	سطح رفتاری (سطح خرد)

انواع رفتارهای سازمانی بر حسب نوع سازمان و کارکنان

برای مطالعه بیشتر به کتاب اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، دکتر سید محمد مقیمی، انشارات راه‌دان، صفحه ۳۴۶ مراجعه فرمایید.

پاسخ تست۱۶۵:

گزینه ۱) یاد خدا صحیح است.

فولاد در کوره آب دیده می‌شود و انسان در رنج و مشقات؛ زندگی صحنه آزمون‌های مکرر است و انسان‌ها باید در برابر آزمایش‌های الهی شکیبا باشند، توکل کنند و سربلند بیرون آیند. بُعد مادی انسان، بدن است و بُعد مجردش روح. روح دو ویژگی دارد و هر ویژگی را می‌توان بخشی از روان نامید:

۱.ویژگی عقلانی و ادراکی ۲. ویژگی نفسانی و غریزی

در نگرش اسلامی، انسان نه تنها ناگزیر به پیروی از تمایلات حیوانی نیست، بلکه کمالش در حاکمیت عقل بر غرایز است.

در روح انسان دو مرکز وجود دارد یکی عقل یا خرد است که شخصیت منطقی انسان را تشکیل می‌دهد و دیگری قلب یا دل است که شخصیت احساسی انسان را می‌سازد. تفکر، دوراندیشی، استدلال، حسابگری، علم و فلسفه، نظم و انضباط و از این قبیل از تجلیات کانون عقل است و آرزو کردن، شیفته شدن، خواستن و حرارت و حرکت از کانون دل سرچشمه می‌گیرد. هدایت و روشنایی از کانون عقل و حرکت و امید از کانون دل برمی‌خیزد. گاهی میان عقل و دل ناهماهنگی ایجاد می‌شود. دل یک چیز می‌گوید و عقل چیز دیگر؛ ناهماهنگی عقل و دل منجر به بر هم خوردن تعادل در درون فرد می‌شود و باعث تنیدگی و مخاطره در بهداشت روانی می‌گردد. منشأ ایجاد استرس، تنش درونی و اضطراب و عدم تعادل روانی، ناهماهنگی دو کانون شخصیت یعنی عقل و دل است. برای رسیدن به تعادل روانی تبعیت شخصیت احساسی از شخصیت منطقی ضروری است.

روش‌هایی برای مدیریت استرس وجود دارند که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. **ذکر و یاد خدا:** یاد خدا عامل بهداشت روانی است و زمانی که انسان به درجه نفس مطمئنه می‌رسد از هرگونه اضطراب و استرسی در امان خواهد بود. (فَاذکُرونی اَذکُرکُم) (أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ)

ایمان به خدا و تقوای الهی ⟵ دوستی با خدا ⟵ رفع ترس و اندوه ⟵ بهداشت روانی

۲. **تهذیب نفس:** قرآن کریم می‌فرماید: تزکیه کار خداست؛ شما فقط باید مقدماتش را فراهم کنید و اگر عنایت حق و فضل و رحمت حق نباشد، هیچکس نمی‌تواند خود را تزکیه و تهذیب کند.«مَنِ اتَّبَعَ رِضوانَهُ»؛ کسی را که خدا از او راضی باشد، راههای سلامتی را به او می‌نمایاند.

آیات ۹و ۱۰ سوره مبارکه شمس «قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكّيهَا وَقَدْ خَابَ مَن دَسّيهَا» در قرآن کریم برای تاکید تهذیب نفس منحصر بفرد است. «که به یقین رستگار شد کسی که نفس را رشد داد و پاکیزه داشت و بی‌تردید محروم و زیانکار شد کسی که آن‌را به پلیدی‌ها آلود و زیر پرده‌های جهل و کفر و فسق پنهان کرد».

رسول اکرم (ص) خطاب به جمعی از جوانان که با وزنه‌بردای و جابجا کردن سنگ بزرگی، زور خود را آزمایش می‌کردند، فرمودند: قوی‌ترین شما کسی است که در هنگام غضب و خوشحالی، نفس امّاره زمام را از عقل او نگیرد.

WWW.DLMGROUP.IR

یادآوری: جلال‌الدین دوانی تهذیب نفس را دارای مراتبی می‌داند:

مرحله اول، تهذیب قوه شهویه تا ملکه عفت حاصل شود؛

مرحله دوم: تهذیب قوه غضبیه تا فضیلت شجاعت حاصل گردد؛

مرحله سوم: تکمیل قوه تمیز ناطقه تا فضیلت حکمت متجلی شود.

۳. **پرهیز از غیبت و عیب‌جویی:** آیات فراوانی بر این دلالت دارند که گناهان موجب زندگی ناخوشایند و گرفتاری و موجب دلهره، نگرانی و آشفتگی خاطر می‌شود. واژه «هُمزه» و «لُمزه» معنای وسیعی دارند که هرگونه عیب‌جویی، غیبت، طعنه و استهزاء به وسیله زبان، علائم، اشارات، سخن‌چینی و بدگویی را شامل می‌شود که سرچشمه آن معمولا کبر و غرور می‌باشد. «هُمزه» در لغت به معنای فشار دادن است و از این جهت به فرد غیبت‌کننده نیز اطلاق می‌شود که با سخنان خود دیگران را تحت فشار قرار می‌دهد؛ «لُمزه» نیز به کسی می‌گویند که با طعنه‌زنی در پی عیب‌جویی از دیگران است. هرکس به مومنی با طعنه و غیبت فشار روانی وارد کند، تحت فشار دوزخ در هم شکسته خواهد شد.

۴. **صبر و استقامت در مقابل ناملایمی‌ها و عزم خود را جزم کردن:** شکوفایی و پژمردگی از پی هم است؛ در شکوفایی نباید مغرور شد و در پژمردگی نباید مأیوس شد.

«فَإِنّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» ؛ «پس، همانا با دشواری آسانی است * همانا با دشواری آسانی است»

توجه داشته باشید گاهی آنچه دشوار و ناخوشایند به نظر می‌آید برای انسان بهتر است و موجبات رشد و تعالی او را فراهم می‌سازد و خدا بهتر بر مصلحت ما آگاه است.

۵. **تمرکز ذهنی بر داشته‌ها:** تمرکز ذهنی بر داشته‌ها سبب تقویت اعتماد به نفس می‌شود و اعتماد به نفس همراه با اعتماد به خدا قدرتی را در فرد ایجاد می‌کند که می‌تواند مشکل‌ترین شرایط را پشت سر بگذارد.

۶. **تقویت عزت نفس توام با دوری از غرور:** گاهی انسان خودشیفته می‌شود و نه تنها به زبان، بلکه در دل، خود را پاک و بی‌عیب و هر چیزی را که متعلق به خودش است، تحسین برانگیز می‌بیند. امام علی (ع) مدیران را از خودپسندی برحذر می‌دارند و اطمینان به نقاط قوت و همچنین تمایل به تعریف و تمجید و ستایش بی‌اندازه از سوی دیگران را موجب خودپسندی و زمینه رخنه شیطان و سرکشی و ضایع شدن عمل نیک مدیران می‌دانند.

۷. **تاکید بر مرکز کنترل درونی:** یعنی پذیرفتن مسئولیت نتایجی که حاصل می‌شود به جای به دنبال مقصر گشتن و تقصیر را بر گردن دیگران انداختن.

خداوند متعال در آیه ۷۹ سوره مبارکه نساء چنین می‌فرماید:

«مَّا أَصَابَکَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَ مَا أَصَابَکَ مِن سَيِّئَةٍ فَمِن نَّفْسِکَ ...» ؛ «هر نیکی‌ای که به تو رسد از خداست و هر بدی‌ای که به تو رسد از خود توست ...»

انسان‌ها باید هر نعمت نیکویی را از خدا بدانند نه اینکه خود را شایسته و سزاوار آن بدانند و مانند فرعون صرفا نتیجه عملکرد شخصی و ویژگی‌های درونی خود تلقی نمایند و باید منشأ مشکلات را در عملکرد خودشان جستجو کنند.

۸. **تقویت قلب سلیم (پالایش قلب از انحرافات اخلاقی و اعتقادی):** مقصود از قلب سلیم، سلامت روحی است. یعنی قلبی که از هرگونه انحراف اخلاقی و اعتقادی به دور باشد که این، ثمره‌ای جز عمل صالح و پاک نخواهد داشت.

WWW.DLMGROUP.IR

پاسخ تست۱۶۶:

گزینه ۴) هر سه مورد صحیح است.

در کلام امام علی (ع) «عدالت» عبارت است از قرار دادن هر چیز در جای خودش.

از دیدگاه اهل حکمت و عرفان «عدالت» عبارت است از تعدیل قوای نفسانی (سه قوه عاقله، غضبیه و شهویه) و قوام دادن اعمال آنها به‌گونه‌ای که برخی بر برخی دیگر غلبه ننماید.

«عدالت» از دیدگاه فقها و اهل تشرع عبارت است از ملکه‌ای نفسانی که فرد را بر ملازمت بر تقوا (اجتناب از گناهان کبیره و عدم اصرار بر گناهان صغیره) و مروّت (پیروی از عادات نیک و اجتناب از مباحاتی که موجب تنفر دیگران و پایین آمدن منزلت فرد در جامعه می‌شود) وا می‌دارد.

عدالت در دو حوزه تکوین (عدل الهی) و تشریع (عدالت اجتماعی) تعریف می‌شود. در اسلام برپا کردن جامعه‌ای ایده‌آل و منطبق با ارزش‌های الهی جز از راه عدالت در همه حوزه‌ها میسر نیست. عدل هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد. مقتضای عدالت، مساوات است. مساوات یعنی همه را به یک چشم دیدن و همه را برابر در نظر گرفتن. مساوات در این است که همه افراد جامعه از امکانات و شرایط مساوی برخوردار باشند و بدین وسیله هرکس در پرتو لیاقت و استعداد خویش، به کمال لایق خود دست یابد.

امام علی (ع) در نامه ۲۷ خطاب به محمد بن ابی‌بکر فرماندار مصر، ضرورت رعایت عدالت بصری (چشمی) یا پدیداری (عدالت غیر کلامی) را یادآور شده و می‌فرمایند: «در نگاه‌هایت و در نیم نگاه و خیره شدن به مردم، به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند».

امام علی (ع) همچنین مراحل مقابله با بی‌عدالتی سازمانی را این گونه تبیین می‌فرمایند: «ای مومنان! هرکس تجاوزی را بنگرد و شاهد دعوت به منکری باشد و در دل آن را انکار کند، خود را از آلودگی سالم داشته است، و هرکس با زبان آن را انکار کند، پاداش داده خواهد شد و از اولی برتر است، و آن کس که با شمشیر به انکار برخیزد تا کلام خدا و گفتار ستمگران پَست گردد، او راه رستگاری را یافته و نور یقین در دلش تابیده است».

حضرت علی (ع) خطاب به مالک اشتر سفارش می‌کنند زمامداران باید ریشه ستمکاری خواص و نزدیکانی را که خودخواه و چپاول‌گرند و در معاملات انصاف را رعایت نمی‌کنند، با بریدن اسباب آن، بخشکانند. امام علی (ع) می‌فرمایند مدیران باید اجرای عدالت را از نزدیکان خود آغاز کنند.

جلال‌الدین دوانی عدالت را در اموری که اصل و ملاک در آنها انتظام امور معاش است (عدالت ارتباطی یا عدالت در روابط با هم‌نوعان) به سه دسته تقیسم می‌کند:

۱. تقسیم اموال و منافع و کرامات
۲. انجام معاملات و مبادلات
۳. امور تربیتی و تدبیری

در نوع اول، حق شخص است که مال یا کرامتی که افراد مثل او دارند، داشته باشند، و اگر زیادی یا نقصانی دارد، باید تلافی و تدارک شود. براساس عدالت نوع دوم، به علت مدنی الطبع بودن انسان، زندگی انسان با مشارکت و معاونت سامان می‌یابد و لازمه مشارکت نیز انجام معاملات و معاوضات با یکدیگر است که در این مبادلات باید عدالت رعایت گردد. در حالت سوم نیز اگر شخصی به فرد دیگری ضرری وارد کرده، باید به همان نسبت دولت او را تأدیب کند تا به عدالت پای‌بند باشد. دوانی معتقد است چون رعایت عدالت در امور فوق بسیار مشکل است، لازم است که به حدود و احکام شریعت رو آورد؛ چون حکمت بالغه و کامله الهی هر چیز را به مقتضای عدالت تعیین کرده است. جلال‌الدین دوانی می‌گوید زمانی می‌توان رفتار عادلانه داشت که اولاً حاکم خود را به جای رعیت فرض کند تا شخصا بتواند از حالات زیردستان کسب اطلاع نماید و ثانیاً به طور مستقیم حقوق افراد را ادا نماید و برای این منظور

WWW.DLMGROUP.IR

وقت معینی را برای ارباب رجوع در نظر بگیرد تا آنان بتوانند بی‌واسطه حوایج خود را عرضه دارند و ثالثاً تدابیری اتخاذ کند که هیچ‌یک از کارگزاران حکومتی، مجال ظلم به مردم را نیابند که هر چه در مملکت رخ دهد، اگر قصور در مدیریت آن باشد، روز قیامت از او سوال می‌شود.

پاسخ تست۱۶۷:

گزینه ۲) قاعده صحت صحیح است.

عوامل موثر بر اعتماد و تعهد سازمانی عبارتند از:

- نیکوکاری و احسان به کارکنان
- کاستن از هزینه و موونه زندگی کارکنان و سبک نمودن بار از روی دوش آنان
- عدم اجبار کارکنان به انجام کاری که دوست ندارند.

عنصر کلیدی ایجاد اعتماد سازمانی «احسان یا نیکوکاری است». اعتمادسازی در کارکنان موجب وفاداری آنها به سازمان و نهایتا منجر به کاهش دغدغه مدیریت از بروز آسیب‌های سازمانی می‌شود.

«افک» به معنای هر نوع دروغ است و «عصبه» گروهی به هم پیوسته را می‌گویند که به یکدیگر یاری می‌رسانند. آیه ۱۱ سوره نور به داستان افک اشاره دارد که در آن یکی از بستگان پیامبر (ص) توسط منافقان متهم به عمل منافی عفت شد و این شایعه در جامعه پخش گشت. خداوند در آیات بعدی مومنانی را که تحت تاثیر این شایعات فریب خوردند، به دلایل ذیل مورد سرزنش قرار می‌دهد و دستور قضایی اقامه شهود چهارگانه و همچنین حد قذف در صورت عدم اثبات شایعه، صادر می‌شود:

۱. استقبال از شایعه و نقل دهان به دهان شایعه؛
۲. انتشار شایعه‌ای که به آن علم و یقین نداشتند؛
۳. کوچک شمردن شایعه و استفاده از آن به عنوان یک سرگرمی.

دروغ، غیبت، شایعه‌پراکنی، نشر اکاذیب و ترویج و اشاعه زشتی‌ها از جمله عواملی هستند که سبب خدشه‌دار شدن اعتماد سازمانی می‌شوند. در آیه ۲۱ سوره نور خداوند به همه مومنان هشدار می‌دهد که هرگاه نخستین وسوسه‌های اشاعه هر کار قبیح آشکار می‌شود، باید همان‌جا در مقابل آن ایستاد تا آلودگی گسترش پیدا نکند.

خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره حجرات می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيراً مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ» ؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها- گمان‌های بد- دور باشید، زیرا برخی از گمان‌ها گناه است. و [در احوال و عیب‌های پنهان مردم] کاوش مکنید، و از پس یکدیگر بدگویی-غیبت- مکنید. آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ بی‌گمان آن را ناخوش و ناپسند می‌دارید. و از خدا پروا کنید، که خدا توبه‌پذیر و مهربان است».

هرگاه گمان بدی نسبت به مسلمانی در ذهن شما پیدا شد، در عمل کوچکترین اعتنایی به آن نکنید و طرز رفتار خود را دگرگون نسازید و مناسبات خود را با وی تغییر ندهید. در روایات دستور داده شده است که اعمال برادرت را بر نیکوترین وجه ممکن حمل کن مگر دلیلی برخلاف آن قائم شود. گمان بد، سرچشمه تجسس و موجب افشای عیوب می‌شود و این امر سبب غیبت می‌گردد که اسلام از معلول و علت نهی کرده و فساد آن را با خوردن گوشت برادر مرده، معادل دانسته است.

WWW.DLMGROUP.IR

باید توجه داشت بین «تجسس» و «بدست آوردن اطلاعات لازم برای اداره جامعه» تفاوتی ظریف وجود دارد. تجسس در زندگی شخصی و خصوصی افراد به شدت نفی شده چرا که اسلام برای حفظ آبرو و حیثیت اجتماعی شهروندان اهمیت و ارزش فوق‌العاده زیادی قائل است، اما در رابطه با زندگی اجتماعی، آنجا که ارتباط با سرنوشت دیگران و کیان جامعه پیدا می‌کند، مسئله شکل دیگری به خود می‌گیرد؛ لذا پیامبر اکرم (ص) مامورانی را که از آنان با عنوان «عیون» نامبرده می‌شد، برای جمع‌آوری اطلاعات قرار داده بودند.

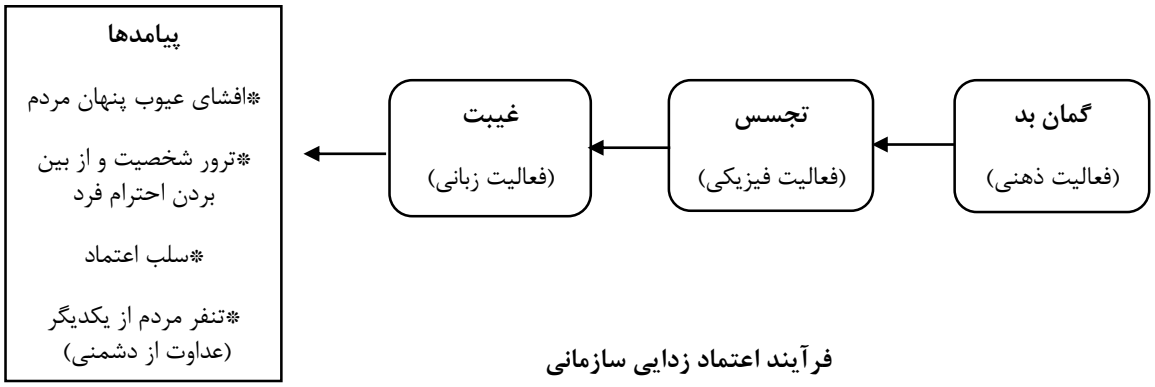

فرآیند اعتماد زدایی سازمانی

حضرت علی (ع) در خصوص ضرورت اعتماد متقابل می‌فرمایند: «چون کسی به تو گمان نیک بُرد، خوش‌بینی او را تصدیق کن».

یکی از قواعد فقهی که منجر به اعتمادسازی در سازمان می‌شود «**قاعده صحت**» است. در کلیه اعمالی که در آن احتمال صحت و بطلان داده می‌شود هرگاه اصل وجود عمل و ارکان آن محقق و مسلم تلقی شود و بطلان و فساد آن به علت فقدان شرط یا وجود مانع باشد، حکم بر صحت آن عمل می‌گردد. اصولا محور اصلی روابط میان مسلمانان از یک‌سو و روابط آنها با دیگران از سوی دیگر بر پایه این قاعده استوار بوده است؛ به طوری که اگر قاعده صحت را معتبر نداریم، اصولا کمتر مبادله و معامله‌ای سالم باقی می‌ماند و اقتصاد مسلمانان روال خود را از دست می‌دهد و موجب آشفتگی و اختلال در نظام زندگی می‌گردد.

شیخ انصاری در خصوص آیه ۱۲ سوره حجرات می‌گوید: قدر مسلم از گمان‌های گناه‌آلود، گمان بد بردن در مورد صحت اعمال دیگران است و مقتضای گمان بد نبردن، آن است که اعمال دیگران را صحیح بدانیم و آثار صحت را درمورد آنها بپذیریم. مفهوم قاعده صحت عبارت است از اینکه هرگاه مشروعیت اعمال دیگران را به طریقی که مفید علم است، بدست نیاوردیم و احتمال نامشروع بودن عمل برود، باید حمل بر صحت و مشروعیت شود. اعتمادسازی در جامعه امری ضروری است و قاعده صحت می‌تواند در اعتمادسازی در جامعه نقش موثری ایفا نماید.

اعتمادسازی در جامعه اسلامی باید از دو طریق انجام پذیرد:

نخست مبارزه و ریشه‌کن کردن عواملی که موجب بدبینی و سلب اعتماد آحاد جامعه می‌شود مانند تبعیض ناروا، جهل و بی‌سوادی، عدم بینش لازم برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی، گریز از مسئولیت و ...

دوم فراهم آوردن بستر لازم برای تفاهم و تقویت همبستگی و اخوت اسلامی در اهداف و انگیزه‌ها. در چنین شرایطی بی‌گمان حمل بر صحت می‌تواند به عنوان یک فرهنگ عمومی نه تنها موجب توسعه اعتمادسازی در جامعه شود، بلکه خود در کنار سایر عوامل کارساز باشد.

البته برخی از فقها عقیده دارند اگر اکثریت جامعه دارای رفتار نادرست باشند یا حتی رفتار صحیح در جامعه امر غالب محسوب نشود، نمی‌توان از قاعده صحت استفاده کرد.

امام علی (ع) ملاک خوش‌بینی و بدبینی را غلبه نیکوکاری بر بدکاری در جامعه می‌دانند و می‌فرمایند: «هرگاه نیکوکاری بر روزگار و مردم آن غالب آید، اگر کسی به دیگر گمان بد برد، در حالی که از او عمل زشتی آشکار نشده، ستمکار است؛ و اگر بدی بر زمانه و مردم آن غالب شود و کسی به دیگری خوش گمان باشد، خود را فریب داده است».

WWW.DLMGROUP.IR

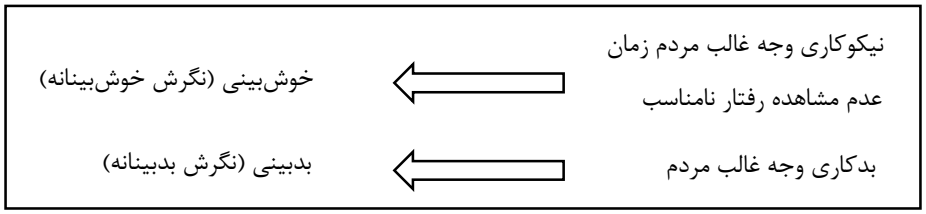

پاسخ تست۱۶۸:

گزینه ۱) قاعده صحت صحیح است.

لطفا به پاسخ سوال قبلی مراجعه فرمایید.

برای مطالعه بیشتر به کتاب اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، دکتر سید محمد مقیمی، صفحه ۳۷۱ مراجعه فرمایید.

پاسخ تست۱۶۹:

گزینه ۳) میثاق سازمانی صحیح است.

تعهد سازمانی یکی از مهم‌ترین پیامدهای اعتماد سازمانی است. سازه‌های تعهد سازمانی در یک سازمان آخرت‌گرا بر سه نوع است:

- تعهد به خداوند (میثاق الهی)
- تعهد به سازمان (میثاق سازمانی)
- تعهد به مدیریت (میثاق مدیریت)

نمی‌توان مرز مشخصی بین سازه‌های مختلف تعهد سازمانی ایجاد نمود و این سه نوع تعهد در سازمان آخرت‌گرا، ارتباطی ناگسستنی با یکدیگر دارند.

- تعهد به خدا به دو طریق در عملکرد سازمانی افراد تاثیر می‌گذارد: اولاً وقتی فرد با خدا پیمان می‌بندد تا پای جان بر تحقق اهداف سازمان آخرت‌گرا اصرار می‌ورزد و عوامل مادی مانع استمرار فعالیت او در سازمان نمی‌شود؛ ثانیاً کسی که با خداوند میثاق می‌بندد هرگز نقض پیمان نمی‌کند و مطیع اوامر الهی خواهد بود.
- جلسه پیامبر اکرم (ص) با عشیره و اقوام خود در سال‌های اولیه بعثت را می‌توان به عنوان اولین میثاق سازمانی قلمداد نمود که فقط امام علی (ع) آن را پذیرفتند و تا شهادت بدان متعهد ماندند. بیعت مردم یثرب در عقبه اول و دوم و همچنین بیعت رضوان (بیعت مجدد مسلمانان با پیامبر اکرم (ص) در سفر به مکه قبل از صلح حدیبیه) را می‌توان از جمله اولین جلسات بیعت در اسلام برشمرد که مسلمانان با پیامبر (ص) میثاق بستند که نسبت به اسلام متعهد باشند. این نمونه‌ها برخی در زمره مصداق‌های تعهد به سازمان و برخی دیگر به مدیریت (پیامبر (ص)) به حساب می‌آیند. «بیعت» یک نوع پیمان است که بیعت‌کننده خود را مطیع بیعت‌شونده می‌داند و متضمن بذل طاعت به قدر مقدور است. عبارت«یَدُ اللهِ فَوقَ اَیدیهِم»؛ «دست خدا بالای دست آنهاست» بیانگر این موضوع است که بیعت و اطاعت از رسول خدا عین بیعت و اطاعت از خداست.
- امام علی (ع) درباره تاثیر هجوم مردم برای بیعت و پذیرش رهبری جامعه اسلامی پس از عثمان، می‌فرمایند: «اگر انبوه آن جماعت نبود و گرد آمدن یاران حجت را بر من تمام نمی‌کرد زمام حکومت را نمی‌پذیرفتم». این فرمایش امام علی (ع) و

WWW.DLMGROUP.IR

فرمایشات مشابه ایشان نشان می‌دهد که اعلام بیعت و اقبال توده مردم به رهبر الهی، زمینه را برای تحقق مدیریت بر جامعه فراهم می‌سازد.

حضرت علی (ع) به‌طور مکرر مدیران را به رعایت پیمان‌ها تاکید می‌فرمایند و سفارش می‌کنند هر چند در بعضی قراردادها و تفاهمات ممکن است مشکلاتی ناشی از تعهد برخی بندهای قرارداد برای فرد پدید آید، ولی افراد باید این مشکلات را به جان بخرند و دچار پیمان‌شکنی نشوند که کیفر و تبعات دنیوی و اخروی جبران‌ناپذیری دارد. تاکیدات امیرالمومنین (ع) حتی ناظر به تفاهمات با دشمنان می‌باشد.

امروزه مدیران و کارکنان موظفند براساس قرارداد استخدامی و تعهداتی که به سازمان سپرده‌اند در راستای تحقق اهداف سازمانی گام بردارند و نباید به رفتارهای سیاسی و ترفندهای دغل‌کارانه برای دور زدن تعهدات خویش، روی آورند. پیمان‌شکنی عامل محرومیت از لطف الهی و زمینه پیدایش سنگ‌دلی است؛ به کسانی که در برابر حقایق، بی‌توجه و انعطاف ناپذیرند و افکار و قلوب آنان متحجر است، سنگ‌دل گفته می‌شود. براساس آیات ۱۳و ۱۴ سوره مائده **پیامدهای پیمان‌شکنی** را می‌توان محرومیت از لطف الهی، پیداش سنگ‌دلی و دشمنی و کشمکش برشمرد که موجبات نارضایتی مردم را فراهم می‌آورد و دشمنی بزرگ با خداست که موجب خشم خداوند می‌شود.

وفای به عهد و پیمان آن‌چنان در تعلیمات اسلامی اهمیت دارد که امام علی (ع) می‌فرمایند: «... بر آنچه بر عهده گرفتی امانت‌دار باش و جان خود را سپر پیمان خود گردان، زیرا هیچ‌یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست...». ایشان وفای به عهد را اصلی جهانی می‌دانند که در آن همه مردم جهان اتفاق نظر دارند و حتی مشرکین زمان جاهلیت که در پایین‌ترین سطح شعور قرار داشتند به عهد و پیمان خود وفادار بودند، چرا که در سایه آن، انسان‌ها به آرامش دست می‌یابند.